

سیطره سبک مناقب‌نگاری در «سده ششم و هفتم هجری»

مهدی غلامعلی^۱

چکیده

سده‌های ششم و هفتم هجری را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تشیع دانست؛ دورانی که با وجود دشواری‌های طاقت‌فرسا، دانشیان شیعی توانستند از اندیشه شیعی در مقابل سیل شبهات و اتهامات عامه و دستگاه حاکمیت به نیکی پاسداری کنند. از این دوران در تاریخ حدیث شیعه، همواره با عناوین دوران فترت یا رکود یاد می‌شود. اگرچه در مقایسه با سده‌های پیشین، این تعبیر صحیح است، اما باید توجه داشت، دشمنی‌های مخالفان، بسیار شدید بوده است و نویسندگان برای مقابله با هجمه‌های مختلف حاکمان، از هیچ تلاشی فرو گذار نکرده‌اند. سبک‌های مناقب‌نگاری و اربعین‌نویسی، نمادی از تلاش سترگ ایشان است که بیش از دیگر سبک‌ها در این بازه زمانی در تاریخ تدوین حدیث شیعه رخ نمود.

این شیوه‌ها دارای نقاط قوت و ضعف بوده است. رشد و سیطره منقبت‌نگاری در این دو سده، بیش از پیش قابل توجه است، به گونه‌ای که حدود شصت اثر در این راستا در دو‌یست سال تألیف شده است. چرایی این افزایش، نیازمند بررسی کتاب‌های مناقب باقی مانده و گزاره‌های

ص: ۳۱۶

تاریخی است که این پژوهش، عهده‌دار آن شده است. کتاب نقض، اثر عبد الجلیل قزوینی، یکی از مهم‌ترین آثاری است که به موضوع مناقب‌خوانی پرداخته و به خوبی، فضای مه‌آلود این دوران را ترسیم کرده است. این کتاب، منبع خوبی

^۱ (۱). عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث.

برای شناسایی علل و عوامل فزونی مناقب‌نگاری در این سده‌هاست. به نظر می‌رسد که عوامل متعدّد سیاسی، علمی و فرهنگی، سبب این جهش نگارشی شده که به برخی از آنها در این نوشتار اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مناقب‌نگاری، فضائل‌نویسی، سده ششم هجری، سده هفتم هجری، سبک‌شناسی، تاریخ حدیث.

درآمد

کتاب نقض، اثر شیخ عبد الجلیل قزوینی رازی، عالم فرهیخته سده ششم هجری، منبع بسیار کارآمدی در ترسیم و نمایان‌سازی فضای دیجور سده ششم هجری است.

بازخوانی این اثر، به خوبی نیازهای اجتماعی شیعه به منابعی چون کتاب‌های مناقب را آشکار می‌سازد. چه این که خاستگاه کتاب‌های مناقب و کتاب‌های احتجاجی همچون نقض و الاحتجاج یکی است و آن پاسخ به هجمه‌های علمی-فرهنگی اهل سنت است. اکنون که به همت مؤسسه علمی-فرهنگی دار الحدیث، «کنگره بزرگداشت عبد الجلیل رازی قزوینی» برپا شده است، بسیار نیکوست که سبک نگارشی مناقب‌نگاری، که همسو با آثار عبد الجلیل است، در پژوهش‌های مستقل بررسی شود. در جای‌جای کتاب نقض به واژگان منقبت، مناقب، مناقیبیان، مناقب‌خوانان، فضایل، فضایل‌یابان و فضایل‌خوانان بر می‌خوریم. این واژگان، در تاریخ تدوین حدیث، نقش به‌سزایی دارند. به ویژه آن که در دو سده ششم و هفتم هجری، آثار مناقب‌محور و همچنین احتجاج‌گونه، رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. در این نوشتار، بر آنیم تا با سیر و تطور این گونه نگارشی، چيستی مناقب و مناقب‌نگاری، پیشینه آن و چرایی فزونی این سبک نگارشی در سده‌های شش و هفت هجری

ص: ۳۱۷

پیردازیم و به صورت اجمالی نیز با آثاری که به این سبک در این دو سده تألیف شده‌اند، آشنا شویم.

الف. قرن شش و هفت هجری، بستر منقبت‌نگاری

قرن ششم هجری، دوران حاکمیت ترکان سلجوقی بر مشرق‌زمین است. شاهان و امیران سلجوقی، همانند غزنویان و سامانیان، از تسنن حنفی و خلافت عباسی حمایت می‌کردند و با شیعه درگیر بودند. گرچه بیشتر این درگیری‌ها با اسماعیلیه و باطنیه بود، با این حال، شیعیان امامی نیز از این تعرضات بی‌نصیب نبودند. «در این دوره، یکی از ارکان رشد تشیع، نفوذ شیعیان امامی مذهب در ساختار اداری دولت سلجوقی بود. این امر با سپر تقیه و با استفاده از دیگر مجوزهای شرعی، عملی می‌شد و نتایج مهم را برای شیعیان و دفاع از آنها در برابر سرداران ترک دربرداشت».^۲

در قرن هفتم نیز ادامه این اختلافات و درگیری‌ها مشاهده می‌شود؛ ولی ظهور مغولان، رنگ و بوی هر گونه حساسیت دینی را نسبت به گذشته، تغییر داده است.

^۲ (۱). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۴۷۷.

التهابات چهل ساله حرکت صحرائشینان مغول از شرق بلاد اسلامی تا غرب آن، هول و وحشت را در جای جای این خطه از بلاد اسلامی، حکم فرما نموده بود تا این که سر انجام به سال ۶۵۶ ق، آنها توانستند بر مرکز حکومت عباسی غلبه یافته و این حکومت را برای همیشه منحل سازند. آغاز حکومت مغولان، با خلافت الناصر لدین الله همراه بود. وی شدیداً تمایلات شیعی داشت و پس از او نیز وجود بزرگان شیعی همچون ابن علقمی و خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) و شمس الدین جوینی در آزادی‌های شیعیان مؤثر بود؛ اما نمی‌توان اختلافات و گاه تعصبات دیرینه شیعه و سنی را از یاد برد. این اختلافات همچنان در مراکز علمی و گروه‌های اجتماعی نمود داشت و در نوع نگارش‌های این دو سده، کاملاً نمایان گردید. در طول این دویست سال، بیان مناقب اهل بیت علیهم السلام در جلسات مذهبی، بیش از پیش شیوع پیدا کرده بود و

ص: ۳۱۸

نویسندگان نیز کتاب‌هایی مناقب‌محور و یا مناظره‌گونه را می‌نگاشتند. با بررسی اوضاع این دوران می‌توان نتیجه گرفت که شیعیان فراز و نشیب‌های گوناگونی را در این دوران در رویارویی با سلاطین تجربه کرده‌اند. البته این دگرگونی‌ها در مناطق جغرافیایی و حکومت‌های محلی، بسیار متفاوت بوده است.

ب. واژه‌شناسی فضایل و مناقب

دو واژه «فضایل» و «مناقب» در ادبیات دینی، جایگاه ویژه و پُر کاربردی دارند. با تعریف این واژگان، آشنا می‌شویم:

۱. مناقب، جمع «مَنْقَبَة»^۳ به معنای کردار برجسته، اوصاف حمیده،^۴ سجایای پسندیده و معجزه^۵ است. در فارسی هم، صفت و هنری را که موجب ستودن دیگران شود «منقبت» گویند.^۶ این واژه در مقابل «مثالب» به معنای عیب‌ها، زبونی‌ها و کاستی‌هاست.

۲. فضایل، جمع «فَضِیلَة»^۷ نیز به معنای برتری‌ها، پاک‌دامنی‌ها و امتیازهای عالی^۸ است. «فضیلة» در مقابل «نقیضة» به معنای کاستی است.^۹

در عرف محدثان، به کلامی که گویای خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته شده است، منقبت یا فضیلت گفته می‌شود و به کتاب‌هایی که دربردارنده این‌گونه گزارش‌هاست، «مناقب» یا «فضائل» گویند، مانند، کتاب الفضائل، اثر جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ ق)، کتاب مناقب الامام امیر المؤمنین، اثر قاضی محمد بن سلیمان کوفی (ق ۳) و مناقب آل ابی طالب از ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (۴۸۹-۵۸۸ ق) و فضائل الصحابه اثر احمد بن شعیب نسایی (م ۳۰۳ ق).

^۳ (۱). اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۳۳۳.

^۴ (۲). لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۸.

^۵ (۳). مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۸.

^۶ (۴). لغت‌نامه دهخدا، مدخل «منقبت».

^۷ (۵). عمدة القاری، ج ۲۰، ص ۱۱.

^۸ (۶). مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۴۳.

^۹ (۷). الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۹۱.

اگرچه معنای لغوی این دو واژه، هم‌افق است، با این حال، در گذر زمان، هر کدام هویت مذهبی پیدا کرده‌اند. به گونه‌ای که اهل سنت، بیشتر از واژه فضایل و شیعیان از واژه مناقب برای یک هدف واحد، استفاده می‌کنند.

در این نوشتار، فضایل و مناقب را مترادف یکدیگر فرض می‌کنیم و مقصودمان از این واژگان «درجه رفیع و کارهای شایسته» است.

دو واژه پیش‌گفته، در علم حدیث راه یافته و عنوان سبک‌های نگارشی‌ای شدند. با نگاهی به کتاب‌های مناقب و مثالب، می‌توانیم این دو سبک را چنین تعریف کنیم:

مناقب و فضائل: به کتاب‌های حدیثی‌ای می‌گویند که بیان‌کننده خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته‌شده باشد.

مثالب: عنوان کتاب‌های حدیثی‌ای است که بر خلاف مناقب، بیان‌کننده عیب‌ها و زبونی‌های افراد فرومایه‌ای است که معمولاً به گزاف، صاحب مقام و اعتبار شده‌اند.

ج. مناقب خوانی

مباهات و استناد به نقاط قوت و برتری خود در درگیری‌ها امری متداول و چه بسا عقلی است. از این رو در هر حادثه مهم تاریخی می‌بینیم که گروهی به پیشینه نیکوی خود مباهات می‌ورزند تا بدین گونه طرف مقابل را تضعیف و خود را بر حق جلوه دهند. در تاریخ عرب، همواره رجزخوانی در ابتدای جنگ‌ها مرسوم بود. این رجزخوانی‌ها را می‌توان کهن‌ترین موارد منقبت‌خوانی دانست. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین زمان پس از اسلام که استناد به مناقب انجام شد، در جریان «سقیفه» بود.

نخستین و جدی‌ترین عرصه رویارویی دو گروه از مسلمانان، برای دستیابی به یک آرمان مهم سیاسی، رخداد سقیفه است؛ رخدادی که در پی آن، دو گروه مهم جامعه اسلامی آن روزگار، یعنی مهاجران و انصار، رو در روی یکدیگر ایستادند و با نادیده گرفتن بسیاری از حقوق و حقایق، برای در دست گرفتن جایگاه مهم خلافت، به اثبات لیاقت خویش پرداخته، فضایل و مناقب خویش را پیش کشیدند.

گذشته از درستی یا نادرستی گفته‌های این دو گروه، آنچه مهم است، آن است که در این رویداد مهم تاریخی، برای نخستین بار به فضایل و مناقب فردی و گروهی، استشهاد شده است.^{۱۰}

^{۱۰} (۱) «درآمدی بر مناقب‌نگاری اهل بیت علیهم السلام»، حسن اصغرپور، فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، ش ۴۵ - ۴۶، ص ۲۶۸.

شواهد متعددی در دست است که در دوره‌هایی همچون دوران خلافت امام علی علیه السلام و همچنین عصر ائمه علیهم السلام به‌ویژه دوران امام حسن مجتبی علیه السلام و ائمه متأخر، بر خوانی فضایل کلی امامان توسط اصحاب وجود داشته است. این منقبت‌خوانی‌ها همان واگویه نمودن روایات معصومان علیهم السلام در جامعه بوده است. در عصر امام رضا علیه السلام نیز منقبت‌گویی، به صورت آشکارا و در سطح قابل توجهی رخ نموده است. در خراسان، بین سده‌های سوم تا پنجم هجری، بیان مناقب اهل بیت علیهم السلام حتی در میان برخی از اهل سنت وجود داشته و شیخ صدوق، بسیاری از این گونه روایات را گزارش کرده است؛ اما خاستگاه شیوع مناقب‌خوانی در ایران را باید بیشتر در سده پنجم جستجو کرد.

از جمله رسوم شیعی رایج در ایران در قرن پنجم تا هفتم هجری، منقبت‌خوانی بوده است که به صورت علنی در مراکزی که شیعیان حضوری پررنگ داشتند، رواج داشته است. خاستگاه مدیحه‌سرایی‌هایی را که امروزه در ایران به طور فراوان رایج است، می‌توان در منقبت‌خوانی پیشینیان جستجو کرد.

مناقب‌خوانی شیعیان که در تمامی شهرها و مناطق شیعه‌نشین رواج داشت، مردم را به تشیع متمایل می‌کرد و بر نفوذ سادات و علویان - که شیعیان اصیل بودند - می‌افزود.^{۱۱} خواندن مناقب در دیار شیعه، بیشتر رواج داشته به گونه‌ای که شواهد

ص: ۳۲۱

حاکمی از آن است که مناقیبان در شهرهایی چون: قم، کاشان، آوه، ری، شهرهای مازندران، سبزوار، نیشابور و مراکز تجمع شیعه، بیشتر حضور داشته‌اند.^{۱۲} همین دلیل خوبی است که انگیزه مناقیبان، بیشتر درون‌گروهی بوده است تا فرامذهبی. البته بنا بر گزارش عبد الجلیل، مناقب‌خوانان در نقاط مرکزی شهرهایی که اعم از شیعه و سنی بوده نیز همانند محله‌های تمام شیعی، مناقب اهل بیت علیهم السلام را می‌خواندند:

آنکه گفته «که در بازارها جمع شوند و مناقب خوانند»، پنداری ندیده است و نشنیده که مناقب‌خوانان در قطب روده^{۱۳} و به رسته نرمه و سر فلیسان و مسجد عتیق همان خوانند که به در زاد مهران و مصلحکان^{۱۴}.

این جلسات، به صورت منظم و عمومی در روزهای معینی برپا می‌شده و در این جلسات، شیعه و سنی شرکت می‌کردند. جلسه شیعیان مناقب‌خوان در «ری»، روزهای دوشنبه برپا می‌شده است. عبد الجلیل می‌نویسد:

و کدام دوشنبه باشد که در مجلس ما از ده و بیست و پنجاه و پانصد منقبت‌خوان و عالم و بازاری از حنفیان و شفعویان کمتر باشند و می‌شنوند و بعضی می‌نویسند^{۱۶}

^{۱۱} (۲). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۸۷-۶۸۸. زمان که معتضد عباسی خواست تا صحیفه‌ای در فضایل اهل بیت خوانده شود، از شورش اهل سنت، هراسی به دل راه نداد؛ اما وقتی به او گفته شد که علویان از آن بهره خواهند برد، وحشت کرد و نخواند.

^{۱۲} (۱). نقض، ص ۷۷.

^{۱۳} (۲). گویا مراد از قطب روده، جایی بوده که در آن محله مرکزیت داشته است (ر. ک: نقض، پاورقی، ص ۷۷).

^{۱۴} (۳). در مصلحکان و زاد مهران، نام دو محله اصیل شیعی در ری بوده است (ر. ک: همان جا).

^{۱۵} (۴). همان، ص ۷۷.

مؤلف کتاب بعض فضائح الروافض،^{۱۷} گزارش‌های متعددی از جلسات منقبت‌خوانی شیعیان ارائه کرده است. او که از مخالفان منقبت‌خوانان و منقبت‌خوانی بوده است، می‌نویسد: «در بیرانه‌ها، جمع شوند و مناقب خوانند ... رافضیان، این همه

ص: ۳۲۲

مناقب‌ها بدان خوانند تا عوام الناس و کودکان دگر طوایف را از راه بیرند و فرا نمایند که آنچه علی کرد، مقدور آدمی نبوده است و صحابه، همه دشمن علی بودند».^{۱۸}

عبد الجلیل رازی قزوینی - که در کتاب نقض، مطالب بسیاری را در باره این‌گونه جلسات از بعض فضائح الروافض نقل می‌کند - ضمن دفاع از شیعه به جلسات فضایل‌خوانی اهل سنت اشاره می‌کند و در گزارشی بیان می‌دارد که از اهل سنت، عجیب است که چرا منقبت‌خوانی شیعیان را بر نمی‌تابند در حالی که فضایل‌خوانی اهل سنت در هر کوی و برزن مشهود است. او بر این باور است که بیشتر منقبت‌خوانان، از نیکان روزگارند، و برای کسب رضای خدا منقبت می‌خوانند، در حالی که بیشتر فضایل‌خوانان، تنها به قصد تأمین معاش به این کار می‌پردازند و از طبقه نکوهیده جامعه برخاسته‌اند.^{۱۹}

گفتنی است که گاه برخی از مناقب‌خوانان توسط حکام و برخی از متعصبان، مورد حمله واقع می‌شدند. ابو طالب مناقبی، نمونه مشهوری است که عبد الجلیل و صاحب کتاب فضائح، آن را بیان کرده‌اند.^{۲۰}

از مجموع گزارش‌های تاریخی می‌توان دریافت که عالمان شیعی در این دوران، بیشتر به قصد تخریب تبلیغات فرهنگی دشمنان و تهاجم به بدنه فرهنگی حکومت، به مناقب‌خوانی روی می‌آوردند که البته ثمرات ارزشمند دیگری نیز برای جمعیت شیعی در برداشت و اهل سنت نیز در دفاع از خود، شیوه فضایل‌نگاری را بناکردند.

دلیل دیگری که می‌توانست به رواج مناقب و فضایل در میان شیعه و اهل سنت در این دوران بینجامد، حکم‌فرمایی تفکر کلامی - معتزلی بر حوزه‌های علمیه تا قرن پنجم هجری بود. با توجه به این فضای حاکم، بیشتر بحث‌های هر دو گروه، عقلی بود؛ اما از قرن ششم به بعد، نقل و گزارش حدیث گسترش یافت. طبیعی بود که در چنین جوئی، روایت کردن احادیث مناقب‌گونه - که مخاطبان خوبی داشت -، رونق یابد.

ص: ۳۲۳

د. پیشینه مناقب‌نگاری

^{۱۶} (۵). همان، ص ۱۰۶.

^{۱۷} (۶). بعض فضائح الروافض، در سال ۵۵۶ ق، به دست یکی از نویسندگان متعصب اهل سنت، علیه شیعه نوشته شده است. این کتاب در باره شیعیان و امامان معصوم علیهم السلام مفادی زننده به کار برده است. در سال ۵۶۰ ق، عبد الجلیل قزوینی رازی کتابی با عنوان بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض» در رد آن نگاشت که به نام نقض، مشهور است.

^{۱۸} (۱). نقض، ص ۷۷.

^{۱۹} (۲). همان، ص ۶۵.

^{۲۰} (۳). همان، ص ۱۰۹.

ترتیب تاریخی مناقب‌نگاری و مناقب‌خوانی، به روشنی مشخص نیست؛ ولی به نظر می‌رسد که در سه سده نخست هجری، بیان روایات شفاهی، سبب نگارش کتاب‌های مناقب گردید. از سده‌های پنجم به بعد بود که قرائت مناقب اهل بیت از یک کتاب مناقب، به «مناقب‌خوانی» شهره شد. بنا بر این به نظر می‌رسد که اصطلاحات «مناقب‌خوانی» و «مناقب‌خوانان» - که در کتاب نقض آمده است - همان بازخوانی منقبت‌ها توسط مناقیبیان از روی کتاب‌های تألیف شده، به این سبک است.

مناقب‌نویسی، تقریباً از سبک‌های اختصاصی شیعیان است که از قرن دوم به بعد در میان ایشان شایع شده است و تنها به مدایح و اوصاف پسندیده اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد.^{۲۱} البته بعدها بعضی عالمان اهل سنت نیز به همین شیوه، کتاب‌هایی را تدوین کرده‌اند؛ اما این کتاب‌ها تنها به مناقب اختصاص ندارند و گاه علاوه بر بخش‌هایی که اوصاف نیکوی افراد را بیان می‌کنند، اضافاتی مانند تاریخ زندگانی فرد یا معجزات شخصیت مورد نظر نیز در آنها دیده می‌شود. مفاد این کتاب‌ها گاهی به غلو و مبالغه آمیخته می‌شود و مطالب ضعیف و دور از واقعیت هم در آن دیده می‌شود. بنا بر این، در استفاده از این گونه کتاب‌ها می‌بایست ابتدا از دانایی و توانایی نویسنده آن آگاه شد و سپس روایات آن را با بررسی دقیق و موشکافانه مطالعه نمود.

گمانه‌ای بر این استوار است که اهل سنت در مقابل سبک مناقب، شیوه‌ای را با

ص: ۳۲۴

عنوان «فضایل» (برتری‌ها) ابداع کرده‌اند^{۲۲} که بیشتر به مدایح خلفای راشدین و برتری‌های صحابه می‌پردازد.^{۲۳} برای نمونه، در کارنامه نگارشی افرادی چون احمد بن حنبل (قرن سوم)، احمد بن شعیب نسایی (قرن چهارم) و ابن حجر عسقلانی (قرن نهم)، کتاب‌هایی با عنوان «فضائل الصحابه» دیده می‌شود.

مثالب، سبک مشترکی است که شیعه و اهل سنت، کتاب‌های متعددی را به این شیوه تألیف کرده‌اند. گفتنی است که مناقب و مثالب، یکی از هشت جزء کتاب‌های جوامع اهل سنت است.

ه. کتاب‌های مناقب در سده‌های ششم و هفتم هجری

آقا بزرگ تهرانی در الذریعة، ده‌ها عنوان کتاب را که همگی یا با عنوان و یا در موضوع مناقب تدوین شده‌اند، نام می‌برد. پس از تأملی در تاریخ نگارش کتاب‌های مناقب، در می‌یابیم که بیشتر این آثار در دو سده شش و هفت هجری تدوین

^{۲۱} (۱). بنا بر نقل نجاشی در کارنامه علمی افراد زیر، «کتاب المناقب» وجود داشته است. تمام این نویسندگان، پیش از سده ششم بوده‌اند: احمد بن محمد بن حسین قمی (م ۳۵۰ ق)، بکر بن احمد بن ابراهیم بن زیاد (از شاگردان امام جواد علیه السلام)، جعفر بن احمد بن یوسف ازدی، حسین بن سعید أهوازی، عبد الله بن ابی خالد، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، علی بن حسن بن محمد طائی طاطری، محمد بن احمد بن علی بن حسن بن شاذان قمی، محمد بن آورمة قمی، محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰ ق)، محمد بن عبد الواحد مطرز آبیوردی (م ۳۴۵ ق)، سید محمد بن علی بن حسین علوی (زنده در سال ۴۷۸ ق)، شیخ مفید أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان (م ۴۱۳) و نصر بن مزاحم منقری عطار کوفی (ر. ک: رجال النجاشی، ذیل عنوانین هر يك از اسامی راویان).

^{۲۲} (۱). اثبات مقدم بودن سبک مناقب بر فضایل و یا اختصاص داشتن یقینی این سبک‌ها به گروهی از مسلمانان، دشوار است.

^{۲۳} (۲). مناقب، تنها در باره افراد نگاشته می‌شد؛ ولی گستره و شمول فضایل، بیش از افراد بوده است؛ چرا که نویسندگان فضایل، به برتری‌های شهرها، قبیله‌ها، مذهب‌ها و ... نیز می‌پرداختند. برای نمونه، ر. ک: فضائل العرب از احمد بن محمد اشعری، فضل الکوفه و فضل قم از سعد بن عبد الله اشعری و ابن عقده، فضائل الشیعة از حسین بن محمد فزاری و شیخ صدوق.

شده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت تعداد کتاب‌های شناخته شده به این شیوه نگارشی در این دو سده، چند برابر تعداد کتاب‌های مناقبی است که در سده‌های سوم تا پنجم و همچنین هفتم تا معاصر تألیف شده‌اند. کتاب‌های مناقب و فضائل در این دوران، بیشتر به بیان منقبت‌های امام علی علیه السلام و همچنین در مرحله بعد، به مناقب اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده است. برای دستیابی به کتاب‌های مناقب محور در این دو سده، افزون بر جستجوی رایانه‌ای، کلیدواژه‌های مرتبط در نرم‌افزارهای علوم اسلامی، مجلّات مرتبط با موضوعات مناقبی سده‌های ششم و هفتم هجری از کتاب‌های الذریعة، موسوعة طبقات الفقهاء و

ص: ۳۲۵

فهرس التراث نیز به صورت کتاب‌خانه‌ای مطالعه شد. حاصل این پژوهش، گردآوری عناوین شصت کتاب مناقب محور در این دو سده شد که در ادامه، با آنها آشنا خواهیم شد. خوش‌بختانه بیشتر این آثار یا منتشر شده‌اند و یا نسخه خطی آنها موجودند.

عناوین این آثار، به صورت گذرا و به تفکیک تاریخ حیات مؤلفان چنین هستند:

۱-۲. کتاب‌های «الإحتجاج» و «فضائل الزهراء علیها السلام»

نویسنده: ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (م حدود ۵۰۰ ق)، استاد ابن شهر آشوب است.^{۲۴} کتاب الإحتجاج وی بارها به چاپ رسیده است.

۳. مناقب آل الرسول

نویسنده: سید ابو ابراهیم ناصر بن رضا بن محمد بن عبد الله علوی حسینی (ق ۶ ق).

شاگرد شیخ طوسی.^{۲۵}

۴. كشف الغمّة فی فضائل الأئمة

نویسنده: ابن عیسی رمانی (زنده در دهه‌های نخست سده ششم هجری)، وی سبط شیخ طوسی و شاگرد دایی‌اش ابو علی بن الشیخ بوده است.^{۲۶}

۵. روضة الواعظین

نویسنده: محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی، مشهور به «فتال نیشابوری» (م ۵۰۸ ق).^{۲۷} بخش قابل توجهی از این کتاب به مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. خوش‌بختانه، این اثر نیز بارها منتشر شده است.

^{۲۴} (۱) . فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳-۶۰۵.

^{۲۵} (۲) . الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۲، ص ۳۲۰، ش ۷۲۶۷.

^{۲۶} (۳) . همان، ج ۱۸ ص ۴۹، ش ۶۲۲.

۶. نزول القرآن فی شأن امیر المؤمنین علیه السلام

نویسنده: حافظ محمد بن مؤمن نیشابوری (م حدود ۵۲۶ ق) از اساتید منتجب الدین رازی (م ۵۸۵ ق) است و این شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) او را کرامی معرفی کرده است.^{۲۸}

ص: ۳۲۶

۷-۸. کتاب‌های «إعلام الوری بأعلام الهدی» و «تاج الموالید»

نویسنده: ابو علی الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی (۴۷۰-۵۴۸ ق). وی مؤلف آثار مشهوری چون تفسیر مجمع البیان و جوامع الجامع است.^{۲۹} دو کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی و تاج الموالید^{۳۰} در مناقب اهل بیت نیز بارها به چاپ رسیده است.

۹. الأربعون حدیثاً

نویسنده: ضیاء الدین ابی الرضا فضل الله بن علی بن هبة الله حسنی راوندی کاشانی (زنده در سال ۵۴۸ ق). بنا به نقل سید علی بن طاوس در کتاب الیقین (حدیث ۲۶)، احادیث این مجموعه در فضائل امام علی علیه السلام بوده است.^{۳۱}

۱۰. بشارة المصطفی لشعبة المرتضی

نویسنده: شیخ عماد الدین ابو جعفر محمد بن ابی القاسم علی بن محمد بن علی بن رستم ابن یزدیان طبری کجی آملی، مشهور به محمد بن علی طبری (زنده در سال ۵۵۳ ق).^{۳۲} کتاب وی بر اساس آنچه خودش بیان داشته، در بیان منزلت تشیع و درجات شیعیان و کرامات اولیا بوده که در هفده جزء نگاشته شده است؛ اما آنچه امروزه باقی است، تنها بخشی از آن است.

۱۱. تسمیة علی علیه السلام بأمر المؤمنین

نویسنده: ابن شهریار الخازن (زنده در سال ۵۵۴ ق). وی سبط شیخ طوسی است و

ص: ۳۲۷

^{۲۷} (۴). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳-۶۰۵.

^{۲۸} (۵). همان، ج ۱، ص ۵۵۳-۶۰۵.

^{۲۹} (۱). همان جا.

^{۳۰} (۲). این کتاب، با مقدمه مرحوم آیت الله مرعشی در مجموعه‌ای با عنوان مجموعه نفیسه، توسط انتشارات بصیرتی قم به سال ۱۳۹۶ ق، و سپس در سال ۱۴۰۶ ق، نیز مجدداً به چاپ رسیده و در نرم افزار کتاب‌خانه اهل بیت نیز موجود است.

^{۳۱} (۳). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱، ص ۴۲۴، ش ۲۱۷۳.

^{۳۲} (۴). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳-۶۰۵.

پدرش خازن، راوی صحیفه سجادیه بوده است. کتاب فوق در اختیار سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) بوده و وی در کتاب الیقین (باب ۱۳۸) از آن استفاده کرده است.^{۳۳}

۱۲- ۱۴. کتاب‌های «الفضائل»، «در المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب» و «الروضة فی المناقب»

نویسنده: ابو الفضل سدید الدین شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل بن ابی طالب قمی مدنی (زنده در سال ۵۵۸ ق).^{۳۴} کتاب الفضائل بارها در ایران و عراق به چاپ رسیده است و از این، کتاب گاه با عنوان المناقب نیز یاد شده است.^{۳۵} به نظر می‌رسد که این کتاب‌ها با یکدیگر متفاوت بوده باشد. برای نمونه وی در ابتدای الروضة فی المناقب تصریح کرده است که این کتاب را بعد از کتاب درر المناقب نگاشته است.^{۳۶} کتاب‌های الروضة فی المناقب و الفضائل به چاپ رسیده‌اند.

۱۵. مصباح الأنوار فی فضائل الائمة الأطهار

نویسنده: هاشم بن محمد علی (زنده در سال ۵۵۸ ق). این کتاب از منابع بحار الأنوار و کتب مورد اعتماد سید هاشم بحرانی بوده^{۳۷} و بخش‌هایی از آن تا عصر حاضر باقی مانده و استاد محمدحسین جلالی، از روی نسخه خطی شیخ شیر محمد همدانی رونویسی کرده است.^{۳۸}

۱۶. رساله «فضائل الائمة و اهل بیت»

نویسنده: شیخ ابو الفتوح رازی (زنده در سال ۵۵۲ ق).^{۳۹} این رساله، به زبان فارسی

ص: ۳۲۸

است.

۱۷. الثاقب فی المناقب

نویسنده: الشیخ الامام عماد الدین ابو جعفر محمد بن علی بن حمزة طوسی مشهدی، مشهور به ابن حمزه طوسی (زنده در سال ۵۶۰ ق).^{۴۰} کتاب الثاقب فی المناقب با تحقیق نبیل رضا علوان (در انتشارات انصاریان قم به سال ۱۴۱۲ ق)، منتشر شده است.

۱۸. تاریخ موالید الائمة و وفیاتهم

^{۳۳} (۱) همان جا.

^{۳۴} (۲) موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۶، ص ۱۱۶، ش ۲۱۶۴.

^{۳۵} (۳) الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۲، ص ۳۱۵، ش ۷۲۴۹.

^{۳۶} (۴) همان، ج ۸، ص ۱۳۵، ش ۵۰۷.

^{۳۷} (۵) همان، ج ۲۱، ص ۱۰۴، ش ۴۱۳۶.

^{۳۸} (۶) فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۷۵.

^{۳۹} (۷) موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۶، ص ۸۶، ش ۲۱۳۸.

^{۴۰} (۱) الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۴۴۰.

نویسنده: ابو محمد عبد الله بن احمد بن محمد بن احمد بن عبد الله النصر، ابن خشاب نحوی حنبلی، مشهور به ابن خشاب بغدادی (۵۶۷ ق). این کتاب نیز با مقدمه آیه الله مرعشی در سال ۱۴۰۶ ق، به چاپ رسیده است.^{۴۱}

۱۹. المناقب

نویسنده: موفق الدین محمد بن احمد مکی خوارزمی (م ۵۶۸ ق). کتاب مناقب خوارزمی توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، به چاپ رسیده است.^{۴۲}

۲۰. فضل أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام

نویسنده: ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله بن عبد الله بن حسین شافعی دمشقی، مشهور به حافظ ابن عساکر (۴۹۹-۵۷۱ ق). استاد محمدحسین حسینی جلالی می نویسد: «اگرچه ابن عساکر پرورش یافته مکتب خلفاست، اما در کتاب تاریخ مدینه دمشق - که به سبک تاریخ بغداد خطیب نگاشته است - مباحث مربوط به علویان و اخبار ایشان را به دقت و امانت گزارش کرده است». برخی از محققان معاصر، بخش هایی از کتاب وی را که مربوط به روایات مرتبط با اهل بیت بوده، به صورت مستقل، منتشر ساخته اند.^{۴۳}

کتاب فضل أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام، با تحقیق عبد الحسن محمد علی البقال (در مدرسه و چاپخانه مسجد چهل ستون تهران، در سال ۱۴۰۳ ق) منتشر شده است.

ص: ۳۲۹

۲۱. الخرائج و الجرائح

نویسنده: قطب الدین ابو الحسین سعید بن هبة الله بن حسن بن عیسی راوندی (م ۵۷۳ ق). قطب الدین راوندی، سی و سه کتاب داشته و بخشی از آثار وی تا به امروز باقی مانده اند.^{۴۴} کتاب الخرائج و الجرائح وی تا کنون بارها به چاپ رسیده است.

۲۲. الأربعین فی مناقب أمير المؤمنين عليه السلام

نویسنده: ابو عبد الله محمد بن مسلم بن ابی الفوارس الرازی (زنده در سال ۵۸۱ ق). او در سال ۵۸۱ ق برای سید بن طاووس حدیث گفته است.^{۴۵} استاد محمدحسین جلالی، از نسخه خطی کتاب الأربعین فی مناقب أمير المؤمنين عليه السلام، رونوشتی تهیه کرده است.^{۴۶}

^{۴۱} (۲). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳ - ۶۰۵.

^{۴۲} (۳). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۲، ص ۳۱۵، ش ۷۲۵۳.

^{۴۳} (۴). ر. ک: الاکتفاء بما روی فی اصحاب الکساء من روایات ابن عساکر، تلخیص و تعقیب: محمدحسین جلال و کتاب های: ترجمه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ترجمه الإمام الحسن علیه السلام، ترجمه الإمام الحسین علیه السلام، ترجمه الإمام زین العابدین علیه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی.

^{۴۴} (۱). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳ - ۶۰۵.

^{۴۵} (۲). الیقین، ص ۲۶۸.

۲۳. الأربعون حديثاً في المناقب

نویسنده: ابو عبد الله محمد بن مسلم بن ابی الفوارس رازی (م حدود ۵۸۱ ق)،^{۴۷} استاد سید عزّ الدین علی بن فضل الله راوندی است. علی بن عیسی اربلی در کشف الغمّة، و سید بن طاووس در کتاب الیقین، از این کتاب نقل کرده‌اند و نسخه خطی این کتاب در کتاب‌خانه نظامیه بغداد موجود است.^{۴۸}

۲۴. الأربعين عن الأربعين من الأربعين

نویسنده: ابو الحسن علی بن عبید الله بن حسن بن حسین بن حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی رازی، مشهور به منتجب الدین رازی (م ۵۸۵ ق).

نام کامل کتاب اربعین چنین است: الأربعون حديثاً عن أربعين شيخاً من أربعين صحابياً في فضائل الإمام أمير المؤمنين علی بن أبي طالب عليه السلام.^{۴۹} این اثر را انتشارات مدرسه الامام المهدي عليه السلام در قم به چاپ رسانده است.

ص: ۳۳۰

۲۵- ۲۶. کتاب‌های «مناقب آل ابی طالب» و «الأربعون حديثاً في مناقب سيدة النساء فاطمة الزهراء - سلام الله عليها -»^{۵۰}

نویسنده: رشید الدین ابو عبد الله محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر بن ابی جیش سروی مشهور به ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق). کتاب مناقب آل ابی طالب توسط سید هاشم رسولی محلّاتی تصحیح و در چهار مجلد به چاپ رسیده است.^{۵۱}

۲۷. الأربعين المنتقى من مناقب المرتضى

نویسنده: ابو الخیر احمد بن اسماعیل بن یوسف بن محمد بن عباس طالقانی قزوینی (۵۱۲- ۵۹۰ ق). این کتاب با تحقیق سید عبد العزیز طباطبایی، در مجلّه تراثنا (ش ۱، سال ۱۴۰۵ ق) به چاپ رسیده است.^{۵۲}

۲۸- ۳۰. کتاب‌های «خصائص الوحي المبين في فضائل أمير المؤمنين»، «عمدة عيون الأخبار في مناقب إمام الأبرار» و «المستدرک المختار في مناقب وصی المختار»

^{۴۶} (۳). الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۲۲، ص ۳۱۸، ش ۷۲۶۹.

^{۴۷} (۴). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۹۴.

^{۴۸} (۵). الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱، ص ۴۲۷، ش ۲۱۸۴.

^{۴۹} (۶). همان، ص ۴۳۴، ش ۲۲۰۲.

^{۵۰} (۱). همان، ص ۴۲۷، ش ۲۱۸۲.

^{۵۱} (۲). فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۳-۶۰۵.

^{۵۲} (۳). همان، ص ۶۰۵.

نویسنده: ابو الحسین یحیی بن حسن بن حسین بن علی بن محمد اسدی حلّی ربعی، معروف به ابن بطریق حلّی (م ۶۰۰ ق).^{۵۳}

۳۱. الأربعون حديثاً في الفضائل و المناقب

نویسنده: أسعد بن إبراهيم بن حسن بن علی بن علی حلّی (زنده در سال ۶۱۰ ق).

نویسنده، روایاتی را از اساتید سنّی اش در یک جلسه که در سال ۶۱۰ ق برگزار شد، برای شاگردانش بیان کرده است. او در ابتدای کتاب می‌نویسد: «از بسیاری از اساتید حدیثم و همچنین حکایت شده از امام شافعی و امام احمد بن حنبل که مقصود پیامبر از حفظ اربعین حدیثاً، یعنی چهل حدیث در مناقب أهل البيت عليهم السلام». نسخه خطی این کتاب در کتاب‌خانه‌های نجف، تهران و تبریز، موجود است.^{۵۴}

ص: ۳۳۱

۳۲. فضائل أمير المؤمنين عليه السلام

نویسنده: خليفة عباسی الناصر لدين الله احمد بن المستضىء بأمر الله الحسن بن المستجد العباسی (ولادت ۵۵۲ ق، آغاز خلافت ۵۷۵ ق، وفات ۶۲۲ ق). وی اظهار تشیّع می‌نموده و سیّد فخّار بن معد موسوی (م ۶۳۰ ق) استاد سیّد بن طاووس، از وی روایت شنیده است.^{۵۵}

۳۳. مناقب الأئمة الاثني عشر

نویسنده: ابن ابی یحیی بن حمید حلّی (م ۶۳۰ ق).^{۵۶} آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: این کتاب، یکی از منابع میرزا محمدحسین بن محمد مؤمن شیرازی، شاگرد مجلسی دوم در حاشیه‌ای است که بر إرشاد شیخ مفید به سال ۱۰۸۸ ق، نگاشته است.^{۵۷}

۳۴. الفائق علی الأربعین فی مناقب أمير المؤمنين عليه السلام

نویسنده: أبو السعادات أسعد بن عبد القاهر بن سفرویه اصفهانی (زنده در سال ۶۳۵ ق). سیّد بن طاووس در الطرائف می‌نویسد: «در این کتاب، نصوص صریحی از پیامبر مبنی بر خلافت امام علی و مناقب روشن آن حضرت گرد آمده است». نسخه خطی این اثر، در نجف موجود است.^{۵۸}

۳۵. منبع الدلائل و مجمع الفضائل

^{۵۳} (۴). همان، ص ۶۲۱-۶۲۲.

^{۵۴} (۵). الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱، ص ۴۱۱، ش ۲۱۳۱.

^{۵۵} (۱). همان، ج ۱۶، ص ۲۵۵، ش ۱۰۱۸.

^{۵۶} (۲). فهرس التراث، ص ۵۹۴.

^{۵۷} (۳). الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۲۲، ص ۳۲۰، ش ۷۲۶۹.

^{۵۸} (۴). همان، ج ۱۶، ص ۹۱، ش ۳۳.

نویسنده: اسعد بن عبد القاهر بن اسعد اصفهانی (زنده در سال ۶۳۵ ق)،^{۵۹} از شاگردان محقق طوسی و شیخ میثم بحرانی.^{۶۰}

۳۶. مناقب جعفر بن ابی طالب

ص: ۳۳۲

نویسنده: ضیاء الدین ابو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن احمد بن عبد الرحمان بن اسماعیل بن منصور سعدی مقدسی حنبلی جماعیلی، مشهور به محمد مقدسی (۵۶۹-۶۴۳ ق). کتاب مناقب جعفر بن ابی طالب با تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین (در چاپ خانه المعارف بغداد) به سال ۱۳۸۹ ق، منتشر شده است.^{۶۱}

۳۷. رساله‌ای در امامت

نویسنده: ابو الفضل محمد بن ابو المکارم علوی حسینی. تألیف کتاب به سال ۶۴۹ ق بوده و نویسنده، این رساله را در اثبات برتری اهل بیت علیهم السلام بر دیگران و در قالب گفتگویی با یکی از عالمان اهل سنت تدوین کرده است.^{۶۲}

۳۸. نخب المناقب لآل ابی طالب

نویسنده: ابو عبد الله حسین بن جبیر (م حدود ۶۴۸ ق). شیخ علی بن سیف بن منصور در کنز جامع الفوائد و سید هاشم بحرانی در آثارش از کتاب نخب المناقب بسیار روایت کرده‌اند.^{۶۳} نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم موجود است.^{۶۴}

۳۹-۴۰. کتاب‌های «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» و «زبدة المقال فی فضائل الآل»

نویسنده: کمال الدین ابو سالم، محمد بن طلحة بن محمد بن الحسن القرشی العدوی الحفّار، وزیر شافعی، مشهور به ابن طلحة قرشی (۵۸۲-۵۸۲ ق). کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، در نجف و قم منتشر شده است. نویسنده در دیباچه کتابش از کتاب دیگرش زبدة المقال نیز یاد کرده است.^{۶۵}

کتاب عمدة المطالب فی ترجمه المناقب نیز ترجمه فارسی کتاب مطالب السؤل است که به دستور شاه طهماسب صفوی، توسط ابو الحسن علی بن حسن زواری

^{۵۹} (۵). تعلیقة أمل الآمل، ص ۱۰۲، ش ۸۹.

^{۶۰} (۶). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۲، ص ۳۵۹، ش ۷۴۲۷.

^{۶۱} (۱). فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۳۶.

^{۶۲} (۲). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۵۴۶ (به نقل از: میراث اسلامی ایران، ش ۲، ص ۵۰۳-۵۲۶).

^{۶۳} (۳). أعيان الشيعة، ج ۵، ص ۴۶۵. این کتاب، تلخیصی از مناقب ابن شهر آشوب است و گمانه‌ای بر آن است که مناقب موجود به جهت کاستی‌هایی که در آن است، چه بسا همین نخب المناقب شاگرد ابن شهر آشوب است.

^{۶۴} (۴). فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۳۹.

^{۶۵} (۵). مطالب السؤل، ص ۱۷.

ص: ۳۳۳

انجام شده است.^{۶۶}

۴۱. روضة الفضائل

نویسنده: نا شناخته (زنده در سال ۶۵۲ ق). مدینه المعاجز از این اثر در ذیل مناقب امیر المؤمنین علیه السلام گزارش کرده است.^{۶۷}

۴۲-۴۳. کتاب‌های «مناقب الطاهرین فی فضائل اهل بیت المعصومین» و «الأربعون حديثاً فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام»

نویسنده: عماد الدین حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری. به تعبیر مؤلف، مناقب را در تولد و کتاب دیگرش کامل بهایی یا الکامل فی السقیفة را در تبراً تدوین کرده است. طبری در سال ۶۷۳ ق، مناقب را نگاشته است.^{۶۸}

افزون بر این آثار او أربعون حدیثاً^{۶۹} را نیز به سبک منقبت‌نگاری به زبان فارسی ساده^{۷۰} برای مردم اصفهان نوشته است. وی می‌نویسد: «در شهر اصفهان بودم و علمای آن بقعه را یافتیم که جمعی تفضیل صحابه می‌نهادند بر اهل بیت و عترت رسول علیهم السلام، و طایفه‌ای تفضیل عترت می‌نهادند بر صحابه».

مؤلف به طرفداری از گروه دوم، چهل حدیث از احادیث اهل سنت را در فضیلت و برتری امام علی بر دیگران ذکر می‌کند.^{۷۱}

ص: ۳۳۴

این کتاب به اربعین البهائی نیز شهره است؛ چه این که نویسنده، اثرش را به دستور وزیر بهاء الدین محمد بن وزیر شمس الدین محمد جوینی، متولی حکومت بلاد ایران در دولت هلاکوخان نگاشته است.^{۷۲}

۴۴. مقصد الراغب فی فضائل علی بن ابی طالب و اهل بیته ائمة الهدی و مصابیح الدجی

^{۶۶} (۱). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۴۱، ش ۲۱۷۵.

^{۶۷} (۲). همان، ج ۱۱، ص ۳۰۲، ش ۱۷۹۹.

^{۶۸} (۳). همان، ج ۲۲، ص ۳۲۹، ش ۷۳۱۱.

^{۶۹} (۴). همان، ج ۱، ص ۴۱۴، ش ۲۱۴۳.

^{۷۰} (۵). متن فارسی نگاشته‌های او بسیار ساده و روان و نزدیک به فهم همگان است، تا آن جا که گویا او درساده‌نویسی، تعمّد داشته است، چنان که در پایان کتاب کامل بجای گفته است که نخست این کتاب را با «عبارات مشکله و الفاظ عویصه» نوشته، و چون دیده است که استفاده از آن برای همگان دشوار است، به نگارش دوباره آن اقدام کرده است («اربعین طبری»، نجیب مایل هروی، مجله مشکوة، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۱۳).

^{۷۱} (۶). این کتاب به دست آقای نجیب مایل هروی در سال ۱۳۶۵ ش، در مشهد تصحیح و چاپ شده است. متن کتاب را مجله مشکوة در شماره ۱۲ و ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۶۵)، ص ۱۱۰-۱۴۰، منتشر کرده است.

^{۷۲} (۱). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۴۱۴، ش ۲۱۴۳.

نویسنده: حسین بن محمد بن حسن (م حدود سال ۶۵۶ ق). برخی وی را نزدیک به عصر شیخ صدوق دانسته‌اند؛ ولی استاد محمد حسین جلالی، با ارائه ادله‌ای مستند، بر این باور است که وی در نیمه سده هفتم می‌زیسته است.^{۷۳} نسخه خطی (و ناقص) کتاب مقصد الراغب فی فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام در کتاب‌خانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.^{۷۴}

۴۵. مناقب آل محمد (النعیم المقیم لعتره النبا العظیم)

نویسنده: شرف الدین ابو محمد عمر بن شجاع الدین موصلی (م ۶۵۷ ق). وی شیخ شافعیه بوده است و کتابش با تحقیق علامه سید علی عاشور در بیروت به سال ۱۴۲۴ ق، به چاپ رسیده است.^{۷۵}

۴۶. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب

نویسنده: ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد نوفلی قرشی کنجی شافعی (م ۶۵۸ ق). اهل سنت وی را اهل علم و فضل دانسته و معاصر او می‌گوید: «کان من أهل العلم بالفقه والحديث لكنّه كان فيه كثرة كلام و ميل إلى مذهب الرافضة». در ذکر حوادث سال ۶۵۸ ق، آمده است: «فتار العلوم بدمشق و قتلوا الفخر محمد بن یوسف بن محمد الكنجی فی جامع دمشق، و كان المذكور من أهل العلم لكنّه كان فيه شرّ و ميل إلى مذهب الشيعة». وی کتاب کفایة الطالب را در ۱۱۲ باب به سال ۶۴۷ ق، در شهر

ص: ۳۳۵

موصل نگاشت. این کتاب با تحقیق محمد هادی امینی (در مطبعة الحیدریه نجف) در سال ۱۳۵۶ ق، منتشر شده است.^{۷۶}

۴۷-۵۰. کتاب‌های «الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین»، «التحصین لأسرار ما زاد من أخبار کتاب الیقین»، «طُرف من الأبناء و المناقب فی شرف سید الأنبياء و عترته الأطائب»، و «الطرائف»

نویسنده: رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد، مشهور به سید علی بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ق). این دو کتاب آخر نیز که از جهاتی منحصر به فردند، بارها منتشر شده‌اند. نام کامل کتاب نخست چنین است: الطرف من الأنبياء و المناقب فی شرف سید الأنبياء و الأطائب و طرف من تصريحه بالوصية و الخلافة لعلی بن ابی طالب.^{۷۷}

۵۱. أنوار الیقین فی فضائل أمير المؤمنین

نویسنده: حسن بن بدر الدین علوی (م ۶۷۰ ق). نسخه خطی بخشی از این کتاب در کتاب‌خانه مرعشی قم موجود است.^{۷۸}

^{۷۳} (۲). ر. ک: فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۴۴.

^{۷۴} (۳). همان، ص ۶۴۵.

^{۷۵} (۴). مناقب آل محمد (النعیم المقیم لعتره النبا العظیم)، ص ۳.

^{۷۶} (۱). فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۵۳.

^{۷۷} (۲). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۶۲، ش ۱۰۵۳.

۵۲-۵۳. کتاب‌های «عین العبرة فی غبن العترة» و «بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية»

نویسنده: جمال‌الدین ابو الفضائل سیّد احمد بن موسی بن جعفر، مشهور به سیّد احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق). این کتاب، پیش‌تر در سال ۱۳۶۹ ق، در نجف و سپس توسط دار الشهاب قم به چاپ رسیده است. نویسنده در این اثر، به دنبال آن است تا روایات و حوادثی را که بیانگر برتری امام علی علیه السلام بر دیگران‌اند، گردآورد.^{۷۹}

۵۴-۵۵. کتاب‌های «الأربعین عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين» و «الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللّهامیم»^{۸۰}

نویسنده: جمال‌الدین یوسف بن حاتم بن فوز بن مهند مشغری شامی، مشهور به یوسف الشامی (زنده در سال ۶۷۶ ق). نسخه خطی کتاب الأربعین در کتاب‌خانه شیخ

ص: ۳۳۶

علی محمد نجف‌آبادی اصفهانی و نسخه خطی کتاب الدر النظیم در کتاب‌خانه امام امیر المؤمنین نجف موجود است.^{۸۱}

۵۶. كشف الغمّة فی معرفة الأئمة

نویسنده: ابو الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی (م ۶۹۳ ق). اربلی کتابش را در سال ۶۸۷ ق، نگاشته است. این کتاب در شمار بهترین و مشهورترین کتاب‌های مناقب و تاریخ اهل بیت علیهم السلام است که بارها با تحقیق‌های مختلف، به چاپ رسیده است.^{۸۲}

۵۷. فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی علیه السلام

نویسنده: سیّد عبد‌الکریم بن طاووس حسنی (۶۹۳-۶۴۷ ق). این کتاب نیز با تحقیق سیّد تحسین آل شیبیب الموسوی (توسط مرکز‌الغدیر للدراسات الاسلامیة، در سال ۱۴۱۹ ق) به چاپ رسیده است.^{۸۳}

۵۸-۵۹. کتاب‌های «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» و «مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب»

نویسنده: محبّ‌الدین ابو العباس احمد بن عبد‌الله طبری شافعی مشهور به حافظ محب‌الدین طبری (۶۱۵-۶۹۴ ق). وی امام جماعت مسجد الحرام بوده است. کتاب وی نیز بارها در عراق، و لبنان به چاپ رسیده است.^{۸۴}

۶۰. نهج الايمان فی المناقب و الإمامة

^{۷۸} (۳). فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۶۲.

^{۷۹} (۴). همان، ص ۶۶۴.

^{۸۰} (۵). «اللّهامیم» یعنی «السادات».

^{۸۱} (۱). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۳، ش ۳۳۰.

^{۸۲} (۲). فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۸۰.

^{۸۳} (۳). همان، ص ۶۷۸.

^{۸۴} (۴). همان، ص ۶۸۱.

نویسنده: زین الدین علی بن یوسف بن جبیر، مشهور به سبط ابن جبیر (ق ۷ ق). این کتاب در مشهد به سال ۱۴۱۸ ق، توسط مجمع امام هادی علیه السلام منتشر شده است.^{۸۵}

گفتنی است که برخی از آثار نیز همسو با اهداف مناقب‌نگاری در این دوران تألیف شده‌اند که می‌توان به این آثار اشاره کرد: الاعتماد فی الرد علی أهل العناد، از ابن رزیک مصری (م ۵۵۶ ق)، الأربعین حدیثاً، اثر ظهیرالدین راوندی (زنده در

ص: ۳۳۷

سال ۵۸۰ ق)، الحجّة علی الذاهب إلی تکفیر أبی طالب (ایمان ابي طالب)، از فخّار بن معد موسوی (زنده در سال ۶۳۰ ق)، نزهة الكرام و بستان العوام، از محمد بن حسین رازی (زنده در سال ۶۵۸ ق) به زبان فارسی در بحث‌های روایی امامت.

و. ویژگی کتاب‌های مناقب

۱. ویژگی‌های ساختاری

کتاب‌های مناقب از یک نگاه، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

یک. ویژه مناقب امام علی علیه السلام

به نظر می‌رسد که بخش قابل توجهی از کتاب‌های مناقب، تنها به مناقب امام علی علیه السلام پرداخته‌اند. به بیان دیگر، بیشتر کتاب‌های مناقب، دست کم در دو سده ششم و هفتم هجری در این دسته جا دارند. این کتاب‌ها را نیز می‌توان به گروه‌های دیگری تقسیم نمود:

یک. فضائل امام علی در قرآن: مانند کتاب نزول القرآن فی شأن أمير المؤمنين، اثر محمد بن مؤمن نیشابوری (م ۵۲۶ ق) و کتاب خصائص الوحي المبين فی فضائل أمير المؤمنين اثر ابن بطریق حلّی (م ۶۰۰ ق).

دو. فضائل امام علی از زبان پیامبر خدا: مانند کتاب‌های بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، اثر محمد بن علی طبری (زنده در سال ۵۵۳ ق)، الفضائل، اثر شاذان بن جبرئیل (زنده در سال ۵۵۸ ق)، کتاب‌های عمدة عيون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار و المستدرک المختار فی مناقب وصی المختار، از ابن بطریق حلّی (م ۶۰۰ ق).

- چهل حدیث در فضائل امام علی: الأربعین فی مناقب أمير المؤمنين، اثر ابن ابی الفوارس (زنده در سال ۵۸۱ ق)، الأربعین عن الأربعین من الأربعین، اثر منتجب الدین رازی (م ۵۸۵ ق)، الأربعین المنتقى من مناقب المرتضى، از ابو الخیر احمد بن اسماعیل طالقانی قزوینی (۵۱۲-۵۹۰ ق)، الأربعین عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين، اثر یوسف الشامی (زنده در سال ۶۷۶ ق).

ص: ۳۳۸

^{۸۵} (۵). همان، ص ۶۹۵.

- فضیلتی ویژه امام علی علیه السلام: تسمیه علی علیه السلام بأمیر المؤمنین، از ابن شهریار الخازن (زنده در سال ۵۵۴ ق)، کتاب‌های یقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بأمرة المؤمنین و التحصین، اثر سید علی بن طاووس (م ۶۶۴ ق).

سه. فضائل گوناگون: مقصد الراغب فی فضائل علی بن ابی طالب، اثر حسین بن محمد بن حسن (زنده در سال ۶۵۶ ق)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، اثر محمد بن یوسف الکنجی (م ۶۵۸ ق) و أنوار الیقین فی فضائل أمیر المؤمنین، اثر حسن بن بدر الدین علوی (م ۶۷۰ ق).

دو. ویژه مناقب دیگر معصومان یا بزرگان

دیگر کتاب‌های مناقب، به منقبت‌های معصومان علیهم السلام و گاه افرادی از نزدیکان ایشان پرداخته‌اند.

کتاب‌هایی نظیر تاج الموالید، اثر ابو منصور طبرسی (م ۵۰۰ ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، از ابو علی طبرسی (م ۵۴۸ ق)، مصباح الأنوار فی فضائل الأئمة الأطهار، اثر هاشم بن محمد علی (زنده در سال ۵۵۸ ق)، الثاقب فی المناقب، اثر ابن حمزه طوسی (زنده در سال ۵۶۰ ق)، تاریخ موالید الأئمة و وفیاتهم، از ابن خشاب بغدادی (م ۵۶۷ ق)، الخرائج و الجرائح، اثر قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)، مناقب آل ابی طالب، از ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، نخب المناقب لآل ابی طالب، از حسین بن جبیر (زنده در سال ۶۴۸ ق)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، اثر ابن طلحة القرشی (م ۶۵۲ ق)، مناقب آل محمد، از عمر بن شجاع الدین موصلی (م ۶۵۷ ق)، عین العبرة فی غبن العترة، از سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق)، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهمم، از یوسف الشامی (زنده در سال ۶۷۶ ق)، كشف الغمة فی معرفة الائمة، از بهاء الدین اربلی (م ۶۹۳ ق)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، اثر حافظ طبری (م ۶۹۴ ق).

۲. ویژگی‌های سبک‌شناختی

یک. فاقد اسناد

یکی از مشکلات غالب کتاب‌های مناقب، این است که روایات آنها فاقد اسناد است و

ص: ۳۳۹

بیشتر روایات آنها مرسل بوده و گاه حتی نام منبع خود را نیز ذکر نکرده‌اند. برخی از نویسندگان در آغاز کتاب، دلیل این شیوه نگارشی را شهرت داشتن این گونه روایات دانسته‌اند. طبرسی در ابتدای کتاب احتجاج می‌نویسد: «و اسناد بسیاری از اخبار را به دلائلی چون اجماع، عقل، و تواتر در کتب فریقین نیاوردیم».^{۸۶} برخی نیز در فصل نخست کتاب، اسناد خود را تا کتاب‌های منبع اعلام کرده و به اعتماد به همین اسناد، روایات را بدون سند تقدیم خوانندگان نموده‌اند، مانند کتاب مناقب آل ابی طالب. این کم‌توجهی به اسناد سبب شده که با از بین رفتن برخی از منابع موجود در سده‌های پیشین، بخشی از روایات مناقبی، فاقد سند شده و امروزه از اعتبار ساقط شود. در حال حاضر، روایات بسیاری در کتاب‌های مناقب به چشم می‌خورد که از منفردات این آثار به شمار می‌رود.

^{۸۶} (۱). الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴.

گفتنی است که برخی از کتاب‌های مناقب، نظیر بشارة المصطفی و العمدة، روایات خود را تقریباً به طور کامل با سند کامل آورده‌اند و در برخی کتاب‌های مناقب، چون عین العبرة و اعلام الوری نیز اسناد کامل در کنار روایات مرسل دیده می‌شود.

دو. تاریخ‌نامه

بیشتر کتاب‌های مناقب، به ویژه آن دسته از کتاب‌هایی که مناقب تمام معصومان را در بر دارند، به بیان شمه‌ای از تاریخ زندگانی هر یک از امامان نیز پرداخته‌اند. از این رو می‌توان این آثار را در شمار منابع تاریخی دانست.

سه. استفاده از جاذبه‌ها

نویسندگان مناقب، به فراخور ذوقیات خویش از جاذبه‌هایی نظیر شعر و داستان سود جستند. برای نمونه، ابن شهر آشوب در سرتاسر کتاب مناقب آل ابی طالب، از اشعار و داستان‌های آموزنده، بهره برده است.

ص: ۳۴۰

۳. ویژگی‌های محتوایی

یک. فضای مناظره

فضای بیشتر کتاب‌های مناقب محور را می‌توان فضای مناظره دانست. همان گونه که در فنّ مناظره، حاضر جوابی و اسکات خصم، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، و گاه فرد مناظره‌کننده، بیش از آن که به دنبال بیان درست مطلب باشد، خاموش کردن مخالف را می‌پسندد، در برخی از کتاب‌های مناقب محور نیز این گونه است. بنا بر این، گاه بعضی از روایات کتاب‌های مناقب، از استواری چندان برخوردار نیستند.

دو. تساهل عمومی

تساهل عمومی، در بیان فضائل و مناقب از دیرباز وجود داشته است. حتی متقدمان از بزرگان شیعه نیز در بیان مناقب، دچار این تساهل بوده‌اند.

سه. اسطوره‌سازی

زیاده‌گویی یا اسطوره‌سازی نیز اشکالی است که به برخی از راویان و مناقب‌گویان وارد است. مناقب‌گویان، گاه کوه‌سازی از گاه را عملی مقدّس می‌شمارند و از این راه، آسیب‌ها و خراش‌هایی را به صورت زیبای تشییع وارد ساخته‌اند.

چهار. کاربرد واژگان توهین‌آمیز

در کتاب‌هایی که در پاسخ به فرد یا گروه خاصی تألیف شده است، گاه واژگانی توهین‌آمیز دیده می‌شود که از ساحت نقد علمی به دور است.^{۸۷} البته توهین‌های علمی قزوینی رازی در کتاب نقض، تنها خطاب به مخاطبش نویسنده بعض فضائح الروافض است و نه تمام اهل سنت. این در حالی است که مخاطب وی در توهین‌های خویش به تمام شیعیان، جسارت کرده است.

ص: ۳۴۱

ز. چرایی فزونی مناقب‌نگاری در این دوران

۱. عوامل علمی - فرهنگی

یک. وجود اختلاف شدید در باره امیر المؤمنین و خلفا

بازخوانی مقدمه کتاب‌های منتشر شده در دو سده شش و هفت هجری، و نوع نگارش‌های کلامی این دوره، نشان از آن است که مخالفان مذهب تشیع به شبهه‌پراکنی بسیاری روی آورده بودند و در برخی موارد نیز شیعیان، دست از تشیع کشیده و افراد مایل به شیعه نیز از حق رویگردان شده بودند. این اختلافات - که ناشی از تلاش‌های عالمان عامه بوده - در آثار متعدد این دوران به خوبی نمایان است. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) مهم‌ترین انگیزه خود را از نگارش کتاب مناقب آل ابی‌طالب همین نکته می‌داند:

محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی گوید: هنگامی که کفر و ناسپاسی دشمنان و خوارج را نسبت به امیر المؤمنین ملاحظه کردم و در یافتن که شیعه و سنی در شخصیت آن حضرت اختلاف دارند و بیشتر مردم، از ولایت اهل بیت رویگردان هستند و از یادکرد ایشان گریزان و به علوم اهل بیت طعنه می‌زنند و نسبت به اظهار محبت به ایشان اکراه دارند، از خواب غفلت بیدار شدم و این جریان‌ات توفیقی شد تا احوال برایم آشکار شود و به مسائل و اقوال اختلافی واقف شوم و به سراغ منابع عامه رفتم و ملاحظه کردم که این مطالب، برگرفته از روایات عامه است که مشحون از احادیث مورد اختلاف، و اخبار مضطربی است که از روایانی ضعیف و مجروح با گرایش‌های ناکشین، قاسطین، مارقین، خاذلین، واقفه، خوارج و شاکین گزارش شده است و «وما آفة الأخبار إلا روائها؛ روایان، تنها آفت روایات هستند»، چه این که این گروه از عالمان عامه، گرد هم آمده‌اند تا نور الهی را خاموش سازند. آیا ندیدی که پاک‌ترین‌های ایشان، حدیث انگشتر و قصه غدیر و خبر طبر و روایات مربوط به آیه تطهیر را از آثارشان حذف کرده‌اند؟ ... و خوب‌هایشان هم به احادیث «أنا مدينة العلم و علی بابها، و حدیث لوح» ایراد می‌گیرند؟ مشهورترین‌های ایشان نیز از نقل حدیث

ص: ۳۴۲

^{۸۷} (۱). عبد الجلیل در کتاب نقض، بارها به مخاطب خویش توهین کرده است، اگرچه مخاطب او نیز در توهین، پیش‌دستی کرده است؛ اما شایسته نبود که رازی تلافی کند. قزوینی مخاطبش را معمولاً با عبارات «خارجی ملعون، ناصبی، مجرّم مشبّهی و...» خطاب می‌کند.

وصیّت، خودداری می‌کنند؟ پس می‌گوییم: «إن هذا لشيء عجاب، أفبهذا الحديث أتمم مدهنون فماذا بعد الحق إالّ الضلال فأني تصرفون».^{۸۸}

بهاء الدین اربلی (م ۶۹۳ ق) در کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة بیان کرده که با برخی از قاضیان و مدرّسان عامّه، آشنا بوده و می‌نویسد:

با آنها گاه به به زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌رفتیم؛ ولی آنها به داخل عتبه نمی‌آمدند و حال آن که قبور فقرا و صوفیه را زیارت می‌کردند ... و هر گاه که به یکی از ایشان نسبت می‌دادند که محبّ اهل بیت علیهم السلام است، سریعاً انکار و اعتذار می‌نمود، و هر کتابی را که می‌دیدند که اخبار و فضایل اهل بیت علیهم السلام را در بر دارد، آن را بیهوده می‌شمردند.^{۸۹}

این بیان به خوبی روشن می‌کند که نگاه عمومی عالمان عامه بر کتب مناقب در این سده‌ها چگونه بوده است. این شیوه عملکرد و پرهیز از این که خود را محبّ اهل بیت علیهم السلام بدانند که خلاف نص قرآن است، بی‌تردید آتش اختلاف را شعله‌ورتر می‌ساخته است.

ابن بطریق حلّی (م ۶۰۰ ق) نیز نخستین دلیل نگارشش را بحث اختلافات موجود می‌داند و تصریح می‌کند که:

... هنگامی که اختلافات شیعه و سنی در مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فزونی یافت، و مردم هر کدام به مذهبی گرویدند، و هر فرقه‌ای بر مقدار توانش و آنچه به ایشان رسیده بود، مناقب آن امام را نگاشت و از سوی دیگر، نظریات هر فرقه‌ای در اعتقاد به امامت ایشان، از جهت تقدیم و تأخیرش متفاوت بود و حال آن که سایر مسلمانان در اصل امامت ایشان اجماع داشتند ...^{۹۰}

در یک اثر نفیس در این دوران - که خالقش سید بن طاووس است - این اختلاف‌ها آشکارتر از دیگر آثار، نمایان شده است. سید در کتاب الطرائف، خود را یک

ص: ۳۴۳

ذمی غیر مسلمان فرض کرده که در بدو آشنایی با مسلمانان، با اختلافات گوناگون مذاهب اسلامی روبه‌رو می‌شود و سعی می‌کند تا از بین متون اکثریت مسلمانان یعنی اهل سنت، حق را بیابد.^{۹۱} بنا بر این، جمعی از نویسندگان با انگیزه حلّ اختلافات، قدم به عرصه مناقب‌نگاری گذاشته‌اند. چه بسا این گروه، نگارش خود را فرا مذهبی می‌دانستند و بر این باور بودند که اگر هر کدام از عامّه نیز با رویکرد انصاف، این آثار را مطالعه کنند، نگاهشان تغییر خواهد کرد.

دو. دانش‌افزایی شیعیان

^{۸۸} (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳.

^{۸۹} (۲). کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵-۶.

^{۹۰} (۳). العمدة، ص ۱.

^{۹۱} (۱). ر. ك: الطرائف، ج ۱، ص ۳.

تبلیغات دستگاه‌های حاکمان از یک سو و نشر روایات فضایل صحابه و فرافکنی عالمان عامّه از سوی دیگر سبب می‌شد که رسانه‌های اصلی، همواره مروّج اندیشه عامّه باشند. افزون بر این، سختگیری‌های حاکمان بر شیعیان نیز در این دو سده، بسیار مشهود بوده است. این مجموعه عوامل، سبب رویگردانی بیشتر مردم از ولایت شده بود.^{۹۲}

به نظر می‌رسد که گروهی از مناقب‌نویسان در این دوران، با هدف حلّ اختلافات شیعه و سنی، به نگارش‌های مناقب‌محور روی آورده‌اند. برخی نظیر ابن بطریق و ابن شهر آشوب، به این نکته تصریح کرده‌اند. البته گروهی دیگر نیز برای حفظ اندیشه‌های شیعی و پاسداری از کیان تشیع، دست به قلم گرفته‌اند. گروه دوم، اصراری بر نقل مطالب از منابع عامّه نداشته‌اند، هرچند از باب «الفضل ما شهدت به الأعداء» که یعنی فضیلت آن است که دشمنان نیز به آن اعتراف کنند، گاه به سخنان عامّه نیز توجه کرده‌اند. تلاش طبری در بشارة المصطفی، بیشتر تلاشی درون‌گروهی است. این دسته از نویسندگان، به هدف دانش‌افزایی شیعیان، آثاری را خلق کردند تا

ص: ۳۴۴

شیعیانی را که از ضعف عقیدتی برخوردارند، در مقابل هجمه‌های دشمنان مجهّز کنند. شیخ محمد بن علی طبری (زنده در سال ۵۵۳ ق) در دیباچه کتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی می‌نویسد:

... اما آنچه سبب شد که من این کتاب را سامان دهم، این است که مشاهده کردم جمع کثیری و گروه بسیاری که آنها را شیعه می‌نامند، تشیع را نمی‌شناسند و مرتبه و مقام آن را نمی‌دانند و حقش را اداء نمی‌کنند و حرمتش را پاس نمی‌دارند. حال آن که بر عاقل واجب است که اگر با چیزی همراه است، آن را به خوبی بشناسد تا اگر محترم است، بتواند به خوبی اکرامش کند و اگر عزیز است، عزیزش دارد و آن را از پلشتی‌ها نگاه دارد.

من این کتاب را گرد آوردم تا مجموعه‌ای باشد از مباحثی که در بردارنده منزلت تشیع و درجات شیعه و کرامات اولیای الهی یعنی ائمّه اطهار باشد.^{۹۳}

سه. مناظره و پاسخگویی به عالمان عامّه

یکی دیگر از عواملی که سبب فزونی کتاب‌های مناقب‌محور و نظیر آن در این دوران شد، پاسخگویی به عالمان عامّه بوده است. شیوه پاسخگویی‌ها گاه به صورت مناظره نظیر کتاب نقض و الاحتجاج و گاه به صورت بیان مناقب از منابع عامّه نظیر مناقب آل ابی طالب و العمدة بوده است.

در همین راستا، عبد الجلیل قزوینی رازی، کتاب نقض، ابو منصور طبرسی (م ۵۰۰ ق) کتاب الاحتجاج، ابن رزّیک المصری (م ۵۵۶ ق) کتاب الاعتماد فی الردّ علی أهل العناد، فخّار بن معد موسوی (زنده در سال ۶۳۰ ق) کتاب الحجّة علی الذاهب إلی تکفیر أبی طالب (ایمان ابی طالب) و محمد بن حسین رازی (زنده در سال ۶۵۸ ق) کتاب نزّهة الکرام و بستان العوام (به فارسی) را نگاشته‌اند.

^{۹۲} (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳. ابن شهر آشوب در گزارش از این دوران می‌نویسد: «[در این دوران ...] و بیشتر مردم از ولایت اهل بیت رویگردان هستند و از یادکرد ایشان گریزان و به علوم اهل بیت طعنه می‌زنند و نسبت به اظهار محبت به ایشان اکراه دارند.

^{۹۳} (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳.

همچنین کتاب بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية اثر ابو الفضائل احمد بن موسى بن طاووس (م ۶۷۳ ق)، از مهم‌ترین آثار است که در پاسخگویی به

ص: ۳۴۵

شبهات الفا شده بر شیعه و همچنین اثبات ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام در سده هفتم نگاشته شده است.^{۹۴} احمد بن طاووس در سراسر این کتاب، با ادله عقلی و نقلی فراوان، شبهات و القائلات جاحظ را در کتاب الرسالة العثمانیه^{۹۵} پاسخ داده است. نمونه دیگر، رساله فارسی فضائل الأئمة و اهل بیت اثر شیخ ابو الفتوح رازی (زنده در سال ۵۵۲ ق) است. بنا بر آنچه که در ابتدای رساله آمده است، «چون شیخ ابو الفتوح رازی به قصد حج به اصفهان رسید، شنید که جمعی نابکار، سب شاه دلدل سوار یعنی حیدر کرار می‌کردند. رفع این قضیه را فرض تر از حج دانسته ...»^{۹۶} و گویا همین رساله را به نیت پاسخگویی به یاوه‌سران عامه در اصفهان تألیف کرده است.

- وجود روایات مناقبی در منابع عامه

نویسندگان شیعی این دوره، جملگی بر این باورند که روایات ولایت و مناقب امام علی علیه السلام و برخی از اهل بیت علیهم السلام در منابع عامه به وفور وجود دارد و این گونه روایات، ساخته اندیشه شیعی نیستند. عبد الجلیل قزوینی رازی می‌نویسد:

و اخبار در امامت و ولایت و فرض طاعت و قربت و قرابت و سخاوت و فضل و اخوت و مناقب امیر المؤمنین، بیش از آن است که سنی و حنفی و شیعی روایت کرده‌اند که بگفت صد هزار خارجی و ناصبی و مبتدع پنهان و باطل نشود باید که تا جانش برآید به کتبخانه ساوه و همدان و قزوین و اصفهان شود که رافضی نباشند و از راویان سنی معتمد بشنود تا بداند که نه ساخته بو جعفر بابویه و [نه] انداخته بو جعفر طوسی است که صد هزار لعنت بر دشمنان سه مرتضی، و دو بو جعفر، و دو مفید باد اخبار است به اسناد مذکور در کتب ائمه مسطور، نه خرافات و نه ترهات است، همه ائمه

ص: ۳۴۶

قبول کرده‌اند و همه اصحاب الحدیث تزکیه کرده، که مادر به مرگ ناصبیان نشیناد خود عقل را استعمال نکنند که امام نص می‌باید، و از قرآن برخوانند که آلا معصوم امامت را نشاید، و از اخبار بنییند که امام باید که عالم تر باشد به احکام شریعت از همه امت.^{۹۷}

ابن بطریق در العمده و سید بن طاووس در الطرائف برای اثبات وجود روایات مناقب در آثار عامه، تنها به منابع روایی ایشان اکتفا کرده‌اند. ابن بطریق حلی بر این باور است که پیش از وی هیچ کس از سنیان منصف یا شیعیان، مانند این اثر

^{۹۴} (۱). گفتنی است که احمد بن طاووس، کتاب دیگری نیز با عنوان الروح دارد که پاسخ به ابن ابی الحدید معتزلی است.

^{۹۵} (۲). رساله عثمانیه، نوشته جاحظ عمرو بن بحر (م ۲۵۵ ق)، در سال ۱۳۷۴ ق، در مصر به چاپ رسیده است.

^{۹۶} (۳). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۵۴۶ (به نقل از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رشت و همدان، ص ۱۵۴۹).

^{۹۷} (۱). نقض، ص ۶۰۱-۶۰۲.

را خلق نکرده است. از این رو، وی سخنان خداوند و کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله را از این منابع عامه گردآورده است:

دو کتاب صحیح مسلم و بخاری و همچنین از کتاب الجمع بین الصحیح البخاری و مسلم، اثر ابی عبد الله محمد بن ابی نصر حمیدی، کتاب الجمع بین الصحاح الستة، اثر شیخ ابی الحسن رزین بن معاویه بن عمار عبدری، مسند أحمد بن حنبل و تفسیر القرآن ابو اسحاق أحمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی.^{۹۸}

- تأویل نادرست روایات مقبول فریقین

در این سده‌ها روایات مناقب مقبول فریقین، آسیب‌هایی را از ناحیه عامه به خود دیده است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها را می‌توان «تأویل‌های نادرست» این روایات برشمرد. ابن شهر آشوب به این نکته چنین اشاره می‌کند:

و گروهی را یافتیم که اخبار اجماعی را به تأویل می‌برند؛ آیات و روایاتی نظیر «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» و «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» و «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ». آری اینان مصداق این آیات هستند: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا؛ بَا أَنْ كَهْ دَر دَل بَه أَنْ يَقِينْ آوْرْدَه بُونْدَد، وَلِيْ اَز رُوِي سْتَم وَ بَرْتَرِيْ جُوْبِيْ اَنْكَارَشْ كَرْدَنْد».^{۹۹} «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ

ص: ۳۴۷

يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ؛ مَرْدَمَانْ رَا چُون بَه رَا هِدَايْتْ فَرَا خَوَانْدَنْد، هِيچْ چِيْزْ اَز اِيْمَانْ آوْرْدَنْ وَ آمْرَشْ خَوَاسْتَنْ، بَا زَشَانْ نَدَاشْت»^{۱۰۰}.

ابن شهر آشوب با همین انگیزه، سعی کرده است تا به این گونه موارد در کتاب مناقب خویش پاسخ گوید.

- تضعیف روایات مناقب

گروهی از عامه، وجود روایات مناقب را در منابع خودشان منکر نبوده‌اند؛ اما به دنبال از حجیت انداختن این روایات، صدور آنها را منکر شده و آنها را ساختگی دانسته و یا تضعیف کرده‌اند. گفتنی است که این، شیوه متداول عامه بوده و در سراسر کتاب‌های الموضوعات، میزان الاعتدال، لسان المیزان و الکامل، روایات مناقب مشاهده می‌شود و یکی از ادله اصلی تضعیف روایات المستدرک علی الصحیحین حاکم نیز گزارش روایاتی نظیر روایت «طیر مشوی» است. ابن شهر آشوب با اشاره به همین نکته می‌نویسد:

^{۹۸} (۲). العمدة، ص ۲.

^{۹۹} (۳). سورة نمل، آیه ۱۴.

^{۱۰۰} (۱). سورة كهف، آیه ۵۵.

^{۱۰۱} (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳-۱۸.

و گروهی از عامّه، اکثر مناقب را مانند احادیث حباب، ثعبان، اسد، جان، سفرجل و رمان را نقل می‌کنند؛ ولی می‌گویند: «هذا إفك قديم وبهتان عظیم»... و گروهی از عامّه راویان روایات مناقب را جرح و قدح می‌کنند و یا الفاظ روایات را مشکک‌دار می‌دانند و در معانی آن خدشه می‌کنند.^{۱۰۲}

برخی نیز متون روایات را خلاف عقل و نقل دانسته و از این رو، این روایات را انکار می‌کنند. نویسنده کتاب بعضی فضائح الروافض به برخی از این امور اشاره کرده و عبد الجلیل رازی نیز بر مبنای مناظره، پاسخ گفته است. وی در کتاب نقض چنین آورده است:

اما آنچه گفته است: «گویند: آنچه علی کرد، مقدور آدمیان نباشد» هر که را از عقل و علم، اندک مایه بهره‌ای باشد، این معنی نگوید و به روا ندارد،

ص: ۳۴۸

آنچه علی کرده است، همه از امثال آن است که دگر آدمیان کرده‌اند و بر امثال آن قادر باشند، و آنچه آدمیان بدان و امثال آن قادر نباشند چون خلق اجسام عالم و اعراض مخصوصه، علی نیز بر آن قادر نباشد و جنس آن، داخل نباشد تحت مقدور بشر.^{۱۰۳}

کتاب نقض به خوبی بازگو کننده تضعیفات گسترده عامه نسبت به روایاتی است که در متون خودشان آورده‌اند. در بخشی دیگر، عبد الجلیل به نویسنده مخالف خویش - که بر روایات مناقب خرده گرفته و آن را تضعیف نموده - این گونه پاسخ می‌دهد:

و اما آن خبر که رد کرده است و تعجب نموده که از امّ سلمه روایت کرده‌اند دگر باره به حساب کورتر است که راویان خبر، بیشتر سنی و حنفی‌اند و در کتب فریقین ظاهرتر است که در کتب شیعت، اولاً راوی این خبر، قاضی بو بکر احمد بن کامل بن خلف است سنی بوده است که او روایت کرده است از قاسم بن العباس المعشری و هم شیعی نیست، و او روایت کرده است از زکریّا بن یحیی الخزار المقری که عدلی مذهب بوده است که او روایت کرده است از اسماعیل بن عبّاد که او روایت کرده است از شریک، و شریک از منصور، و منصور از ابراهیم، [و ابراهیم] از علقمه [و علقمه] از عبد الله عباس پدر خلفا که گفت: خرج رسول الله صلی الله علیه و آله فلم یلبث ان جاء علیّ علیه السلام و این حدیث بطوله زیادت از آن است که ناصبی آورده است این راویان بر این وجه از مصطفی در حقّ علی روایت کرده‌اند که به ذکر خبر و معنی آن کتاب بیفزاید. رسول گفته است، و امّ سلمه شنوده است و روایت کرده، و گر چهار هزار خبر را راوی عایشه می‌شاید و یکی مردود نیست؛ امّ سلمه فاضل‌تر است و بزرگ‌تر از بسیاری از زنان رسول، مگر بدان مردود باشد که او را با علی و فاطمه و آل ایشان خصومتی و عداوتی نبوده است؟^{۱۰۴}

- تحریف روایات مناقب

^{۱۰۲} (۳). همان جا.

^{۱۰۳} (۱). نقض، ص ۷۸.

^{۱۰۴} (۲). نقض، ص ۶۰۰.

یکی از دلایل یا محورهای پاسخگویی شیعیان به عالمان عامّه، تحریف روایات

ص: ۳۴۹

مناقب از جانب ایشان است. این تحریف‌ها گاه با زیادت در روایت، گاه با کم کردن بخشی از روایت و گاه با دگرگونی کامل روایت، به وقوع پیوسته است. ابن شهر آشوب با توجه به این گونه روایات در سرتاسر کتاب مناقب، به این موارد اشاره کرده و در دیباچه کتابش نیز آورده است:

و گروهی از عامّه، روایات را کم یا زیاد نموده‌اند. به عنوان نمونه، روایت «من كنت مولاة فعلى مولاة» را آورده‌اند؛ ولی دعای پس از آن را حذف کرده‌اند و همچنین روایات «أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدى» و «الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة» را گزارش کرده‌اند؛ ولی ادامه آن را روایت نکرده‌اند ... و گروهی دیگر از عامّه، در مقابل هر حقی، باطلی را ساخته‌اند. آنها در مقابل این روایات «الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة» و «كان أحبّ الناس إلى رسول الله من الرجال على، و من النساء فاطمة»، و نظایر آن روایات را تحریف نموده‌اند. «و يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ؛ و كَافِرَانِي كَه مِي خَوَاهِنْد بَه نِيروي بَاطِل، حَق رَا از ميَان بِيَرِنْد جِدَال مِي كِنِنْد»^{۱۰۵} ... و گروهی دیگر از عامّه، مناقب اهل بيت عليهم السلام را برای افراد دیگر دگرگون ساخته و اسامی دیگری را جایگزین کرده‌اند، مانند حديث سدّ الأبواب، صالح المؤمنین، الاسم المكتوب على العرش، و تسليم جبرئيل. «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ؛ آنان كه زندگي دنيا را از آخرت دوست تر دارند و ديگران را از راه خدا باز مي دارند و آن را منحرف مي خواهند، سخت در گمراهي هستند»^{۱۰۶، ۱۰۷}.

نظير آنچه كه ابن شهر آشوب گزارش کرده، در كتاب‌های روایی افرادی نظیر امين الاسلام طبرسی، ابن حمزه طوسی، اربلی، سيّد علی بن طاووس، سيّد احمد بن طاووس، عبد الجليل قزوینی و ديگر نويسندگان اين دوره مشاهده می‌شود.

ص: ۳۵۰

در متون عامّه آمده است كه ابو بكر از امام علی عليه السلام شجاع‌تر بوده، و مرحب را محمد بن مسلمة كشت، ذو النديه در مصر كشته شد، و ابوبكر در ادای سورة برائت بر علی عليه السلام امير بود. انس بن مالك، سورة برائت را قرائت كرد.

محسن فرزند حضرت فاطمة در زمان پیامبر به دنیا آمد و در همان زمان نیز سقط شد و ... و حتی جاحظ گفته بود كه ایمان علی، ایمان درستی نیست؛ چه این كه او كودك بوده است و شجاعت او نیز شجاعت نیست؛ چراكه پیامبر خبر داده بود كه او را ابن ملجم خواهد كشت و جنگ‌های علی اشتباه بوده و مسلمین را عمداً كشته است و^{۱۰۸}

۲. عوامل سیاسی

^{۱۰۵} (۱) . سورة كهف، آیه ۵۶ .

^{۱۰۶} (۲) . سورة ابراهيم، آیه ۳ .

^{۱۰۷} (۳) . مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳ - ۱۸ .

^{۱۰۸} (۱) . همان جا .

شیعیان در سده‌های ششم و هفتم هجری در بیشتر نقاط ممالک اسلامی، به عنوان یک اقلیت مذهبی - سیاسی تحت ستم ویا انزوای حاکمان قرار داشتند. البته برخی از مناطق همچون حله و حلب، دارای حکومت‌های محلی بودند و در سرزمین‌هایی چون مصر، حکومت مقتدر فاطمی بر سر کار بودند که تقریباً تمام این حکومت‌های شیعی در این دو سده، مقهور حکومت‌های سنی شدند و از بین رفتند.

یک. ستم حاکمان بر شیعیان

ظهور حکومت‌های مخالف شیعی نظیر سلجوقیان در مشرق‌زمین و آیبویان در غرب ممالک اسلامی، منجر شد تا حکومت‌های محلی شیعی و فاطمیان مصر منحل شوند.

پیش از این نیز در سده پنجم هجری، حکومت مقتدر و علم‌دوست آل بویه توسط ترکان سلجوقی منقرض شده بود. برخوردارهای حاکمان و درگیری‌ها در این دو سده، بیشتر با اسماعیلیه و باطنیه بوده؛ اما شیعیان امامی نیز از آن بی‌نصیب نبوده‌اند.

عماد الدین طبری در کتاب مناقب الطاهیرین (نوشته به سال ۶۷۳ ق) با توجه به همین ستم‌ها می‌نویسد:

ششصد سال خلفای بنی امیه و بنی عباس، اخفای مناقب اهل بیت

ص: ۳۵۱

می‌کردند و راویان را می‌کشتند و دفترها و احادیث اهل بیت را می‌سوختند.^{۱۰۹}

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی این دوران را می‌توان این گونه شماره کرد:

- برخورد شدید با اسماعیلیه و فرقه باطنیه و ترورهای گسترده بسیاری از علمای اهل بیت.^{۱۱۰}

- هجمه بر فلسفه و فیلسوفان و توجه به تصوف.

- گسترش و شیوع کرامات اولیا و صوفیه، و تألیف آثاری مانند: کنز الأولیاء، عبد القادر گیلانی (م ۵۶۱ ق) در این

راستا.^{۱۱۱}

^{۱۰۹} (۱). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۵۴۴ (به نقل از: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص ۲۱۹۴-۲۱۹۵).

^{۱۱۰} (۲). برای نمونه، ابن جوزی که خود در همین قرن می‌زیسته (م ۵۷۳ ق) در حوادث سال ۵۰۰ ق، می‌نویسد: «در ذی‌الحجه سر بریده احمد بن عبد الملك بن عطاش، پیشوای فرقه باطنیه در قلعه اصفهان و سر فرزندش را به بغداد فرستادند. آنها دوازده سال بر اصفهان سیطره داشتند».

^{۱۱۱} (۳). در اخبار الحکماء (ص ۱۵۴) آمده است: «حکم الخلیفة الناصر لدین الله بإحراق کتب الفلاسفة التي وجدت عند عبد السلام عبد القادر الجیلی البغدادی، و أمر بسجنه حتی عام ۵۸۹ ق، و سعد عبید الله بن علی التمیمی المعروف بابن المارستانی (م ۵۹۹ ق) المنبر و خطب خطبة لعن فیها الفلاسفة، و کان یخرج الکتب کتاباً کتاباً و یبالغ فی ذمه و ذم مصنفه ثم یلقیه فی النار، و کان منها کتاب الهیمة لابن الهیثم فأخذوه و هو یقول: و هذه الداهیه الدھیاء و النازلة الصماء و المصیبة العمیاء... و بعد اتمام کلامه مرق کتاب و ألقاه فی النار». (ر. ک: فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۵۱).

در سده هفتم هجری نیز با ظهور مغول و قتل عام‌های وحشیانه در حدود نیم قرن، مجموعه ممالک شرق در حیرت و ترس زندگی می‌کردند.

بازخوانی حوادث مهم سال‌شمار این دو سده، خود به خوبی بازگو کننده فشارهای عمومی حکام بر شیعه و اندیشه شیعی است. در این نوشتار، برخی از مهم‌ترین حوادث این دو قرن را واگویه کرده‌ایم:

- حوادث سده ششم

سال ۵۰۰ ق: در این سال، سلطان محمد، قلعه موسوم به «شاه دز» را که نزدیک اصفهان واقع شده بود و فرقه باطنیه، آن را در اختیار داشتند، به تصرف درآورد و فرمانروای

ص: ۳۵۲

قلعه، احمد بن عبد الملک بن عطاش و پسرش را کشت.^{۱۱۲}

۵۰۱ ق: حمله سلجوقیان بر شیعیان و کشتن امیر شیعی سیف الدوله صدقه.

۵۰۸ ق: آغاز مجدد حملات سلجوقیان و استمرار آن تا سال ۵۵۵ ق.

۵۰۹ ق: پدیدار شدن فتنه و اختلافات بین شیعه و سنی در بغداد.

۵۱۰ ق: پدیدار شدن فتنه و اختلافات بین شیعه و سنی در طوس.

۵۱۸ ق: تشکیل حکومت اسماعیلیه در الموت و وفات حسن صباح در آن جا.

۵۲۰ ق: قتل وزیر شیعه اثنی عشریه در مصر.

۵۲۴ ق: ترور الحاکم بالله الفاطمی ابن المستعلی بالله.

۵۲۶ ق: ترور ابو علی بن کفیات، وزیر فاطمیان در مصر. وی نخستین کسی است که مذهب امامیه را در مصر اعلام و اظهار نمود.

۵۲۹ ق: قتل امیر شیعی دبیس بن صدقه بن منصور اسدی شیعی در حله توسط سلطان مسعود.

۵۴۰ ق: استیلای امیر شیعی، علی بن دبیس بن صدقه بر حله.

۵۴۱ ق: حمله مسیحیان به آندلس.

^{۱۱۲} (۱). الکامل فی التاریخ، ج ۲۴، ص ۳۳.

۵۴۵ ق: وفات علی بن دبیس بن صدقه بن منصور اسدی، آخرین امیر شیعه در حله.

۵۵۰ ق: اعلام موجودیت دولت شیعی قره‌باغ در قفقاز.

۵۵۴ ق: پدیدار شدن فتنه و اختلافات بین شیعه و شافعیه در استرآباد ایران.

۵۵۶ ق: ترور امیر صالح بن زریک، شیعه امامیه (۴۹۵-۵۵۶ ق) در مصر.

۵۵۸ ق: حمله سلجوقیان بر قبیله شیعی بنی اسد در حله و قتل عام ایشان و فرار بازماندگانشان.

۵۶۳ ق: آخرین سال جنگ‌های صلیبی.

۵۶۶ ق: عزل قاضیان شیعه در مصر و اعلام روز عاشورا به عنوان روز عید، از سوی صلاح الدین ایوبی.

ص: ۳۵۳

۵۶۷ ق: خطبه خواندن به نام عباسیان در مصر و انقراض دولت علویان.

۵۶۸ ق: مرگ امیر شیعی یزداد جاوانی در بغداد، و قتل عام جمع کثیری از شیعیان در بغداد.

۵۷۹ ق: ورود صلاح الدین ایوبی به حلب، و حکمرانی بر شیعیان حلب.

۵۸۹ ق: مرگ صلاح الدین ایوبی در دمشق.

- حوادث سده هفتم

۶۰۰ ق: قتل عام و سوزاندن افراد فرقه باطنیه در منطقه واسط.

۶۱۴ ق: گرویدن خوارزم شاه به مذهب شیعه و خلع خلیفه عباسی الناصر، و دعوت به تشکیل خلافت شیعه علوی بعد از فتوای علما.

۶۱۶ ق: آغاز جنگ‌های مغولان به فرماندهی چنگیزخان در شرق ممالک اسلامی.

۶۲۴ ق: غارت بلاد اسماعیلیه توسط جلال الدین خوارزم‌شاه.

۶۴۱ ق: منع حکومتی و جلوگیری شیعیان از خواندن مقتل امام حسین علیه السلام توسط معتصم در محله کرخ بغداد.

۶۴۸ ق: پایان دادن به دولت ایوبیان در مصر توسط دولت ممالیک.

۶۵۵ ق: پدیدار شدن فتنه بین شیعه و سنی در بغداد، و غارت خانه‌های شیعیان (و خانه ابن علقمی).

۶۵۶ ق: استیلای مغول بر بغداد، و قتل عام وحشیانه و کشتن المعتصم بالله، آخرین خلیفه عباسیان.

۶۵۶ ق: تقاضای امان از سوی علمای شیعه حله از هولاکوخان و موافقت وی.

۶۵۷ ق: وفات وزیر محمد بن احمد علقمی.

۶۹۹ ق: ظهور دولت عثمانی به رهبری عثمان بن ارطغرل بن سلمان ترکمانی در بلاد روم و آسیای صغیر.

ص: ۳۵۴

دو. حکومت‌های شیعی

همان‌گونه که گذشت، در سده‌های ششم و هفتم هجری، شیعیان، بیشتر در انزوای حکومت‌ها قرار داشتند و این برخورد سیاسی حکام در پیدایش آثاری برای حفظ اندیشه شیعی از سوی عالمان شیعی در تدوین متونی چون مناقب رقم خورد.

اما باید دانست در گوشه و کنار ممالک اسلامی، حکومت‌های محلی شیعی‌ای وجود داشتند که حاکمان آنها گاه برای مقاصد گوناگون، درخواست تألیفاتی در راستای تقویت تشیع داشته‌اند و یا حکومت ایشان بستر مناسبی برای تألیفاتی این چنینی را فراهم می‌ساخت. وجود وزیران شیعی یا متمایل به شیعه همچون ابن علقمی، خواجه نصیر الدین طوسی (م ۶۷۲ ق)، عظاملک جوینی، برادرش شمس الدین جوینی، بهاء الدین محمد جوینی (فرزند شمس الدین) و خلافت الناصر لدین الله در سده هفتم و همچنین حکومت‌های محلی و گاه کوتاه‌مدت در شمال ایران، اصفهان، واسط، موصل، حلب، نواحی شمال عراق و ... همگی در شکلگیری کتاب‌های مناقب و فضایل و یا آثار احتجاج‌گونه مؤثر بوده‌اند.

برای نمونه، امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ ق) در مازندران، از حضور حاکمی شیعی و عدل‌گستر بهره‌مند بوده و توانسته آثار متعددی را منتشر سازد. او در ابتدای کتاب مناقب‌محورش یعنی إعلام‌الوری، افزون بر یک صفحه، از شاه مازندران یاد می‌کند و در بخشی از این توصیفات تردیدآمیزش می‌نویسد:

.... و بعد فإن أشرف الکلام عند الخاص و العام ما وجه إلى أشرف من حاز الله له رواء الملك إلى بهاء العلم و سناء الحلم و إمضاء الحکم لا زال مبرا علی ملوک الدهر و ولاة النهی و الأمر بما آتاه من علو الشان و جلالة القدر و میزه بجلائل من المجد و الجلال و فواضل القدر من الفضل و الإفضال لا یندرج أدناها تحت القدرة و الإمكان و لا ینال أقصاها بالعبارة و البیان و هذه صفة الأصفهید الأجل الملك العادل المؤید المنصور شرف الدنيا و الدین رکن الإسلام و المسلمین ملک مازندران علاء الدولة شاه فرشوا ذکر أبی الحسن علی بن شهریار بن قارن أعلى الله شأنه و نصر سلطانه إذ هو باتفاق

ص: ۳۵۵

الأولياء والأعداء وإطباق القرباء والبعداء واحد الدهر و شمال أهل العصر و غرة الأفلاك الدائرة و عمدة العترة الطاهرة لا جرم قد ملكه الله زمام الدهر و أنفذ حكمه في البر و البحر و^{۱۱۳}

همچنین کتاب مناقب آل محمد یا النعم المقيم لعترة النبا العظيم، اثر شيخ شافعيه شرف الدين ابو محمد عمر بن شجاع الدين موصلی (م ۶۵۷ ق) در موصل، ظاهراً به درخواست حاکم عترت دوست موصل تدوین شده است. نویسنده این اثر نیز در مقدمه، از مناقب حاکم آن دیار، بسیار سخن گفته است. آنچه قدری جای تأمل دارد، این است که در مناطق مصر و حکومت فاطمیان، انتظار آن است که این گونه آثار بیش از دیگر مناطق بوده باشد و حال آن که چنین نیست. عماد الدین طبری صاحب کتاب مناقب الطاهرين (نوشته به سال ۶۷۳ ق) نیز اثرش را به نام خواجه بهاء الدین محمد جوینی، پسر خواجه شمس الدین جوینی نگاشت^{۱۱۴} و اربلی نیز کتاب کشف الغمه را به احتمال قوی، تحت تأثیر کرامت‌های جوینی نگاشته است؛ چه این که وی کاملاً از جهات مادی، مدیون خاندان جوینی است و به این نکته نیز اشاره می‌کند.

بنا بر آنچه، گذشت به خوبی روشن شد که در دو سده ششم و هفتم هجری، کتاب‌های مناقب، رشد دو چندانی داشته‌اند که آمار آنچه به دست ما رسیده، حکایت از آن دارد که در هیچ برهه‌ای از تاریخ اسلام، این تعداد کتاب به این شیوه، نگاشته نشده است. چرایی این فزونی، نیازمند به تحلیل جدی و بازخوانی آثار این دوران است. در این پژوهش سعی شد تا دلایلی را برای پاسخ دادن به این چرایی تبیین کنیم.

مهم‌ترین دلایل را در دو عامل سیاسی و همچنین علمی - فرهنگی می‌توان یافت. با توجه به اهمیت سبک مناقب و عدم پژوهش‌های مستقل و بنیادی، بسیار مناسب است که پژوهش‌های مستقلی در این باره سامان یابد.

ص: ۳۵۶

منابع و مأخذ

۱. إعلام الوری بأعلام الهدی، أبو علی فضل بن حسن الطبرسی، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۲. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳. أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين الحسيني العاملي، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۴. أقرب الموارد فی فصح العربية و الشوارد، سعيد خوری شرتونی، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۹۴ م.
۵. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، قم: انصاریان، ۱۳۷۵ ش.
۶. تعلیقه أمل الآمل، میرزا عبد الله الأفندی الاصفهانی، قم: کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.

^{۱۱۳} (۱). إعلام الوری، ص ۲.

^{۱۱۴} (۲). تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۵۴۴ (به نقل از: فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس، ج ۱۰، ص ۲۱۹۴-۲۱۹۵).

٧. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، محمد حسن بن علي المنزوي (آقا بزرگ تهراني)، بيروت: دار الأضواء، سوم، ١٤٠٣ ق.

٨. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعيل بن حماد الجوهري، بيروت: دار العلم للملايين، ١٤١٠ ق.

٩. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، علي بن موسى الحلبي (سيد بن طاووس)، قم:

چاپخانه خيام، ١٣٩٩ ق.

١٠. «درآمدی بر مناقب نگاری اهل بیت عليهم السلام»، حسن اصغريور، فصل نامه علمی - پژوهشی علوم حديث، ش

٤٥ - ٤٦، پاییز و زمستان ١٣٨٦ ش.

ص: ٣٥٧

١١. عمدة القاری (شرح صحيح البخاری)، محمود بن احمد العيني، بيروت: دار احیاء التراث العربي.

١٢. عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب إمام الأبرار (العمدة)، يحيى بن حسن الأسدي الحلبي (ابن البطريق)، قم:

مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤٠٧ ق.

١٣. فهرس التراث، محمد حسين حسيني جلالی، قم: دليل ما، ١٤٢٢ ق.

١٤. الكامل في التاريخ، علي بن اثير محمد الشيباني (ابن الأثير)، ترجمه: ابو القاسم حالت و عباس خليلی، تهران: مؤسسه

مطبوعاتی علمی، ١٣٧١ ش.

١٥. كشف الغمّة في معرفة الأئمّة، علي بن عيسى بن ابي الفتح الإربلي، بيروت: دار الأضواء، ١٤٠٥ ق.

١٦. لسان العرب، محمد بن مكرم المصري الأنصاري (ابن منظور)، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ ق.

١٧. لغت نامه، علي اكبر دهخدا و ديگران، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٧٢ ش.

١٨. مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي، تحقيق: سيد احمد حسيني، تهران: مكتبة نشر الثقافة الاسلامية، ١٤٠٨ ق.

١٩. «اربعين طبری»، نجيب مايل هروي، مجله مشکوة، ش ١٢ و ١٣، پاییز و زمستان ١٣٦٥ ش.

٢٠. مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة النصيبي الشافعي، تحقيق:

ماجد احمد العطية، بيروت: مؤسسة أم القرى، ١٤٢٠ ق.

٢١. مقدمه نقض و تعليقات آن، مير جلال الدين حسيني ارموي، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگي کشور، ١٣٧٦ ق.

٢٢. مناقب آل أبي طالب، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب)، بيروت: دار الاضواء، ١٩٩١ م.

۲۳. مناقب آل محمد (النعم المقيم لعتره النبأ العظيم)، عمر بن محمد الموصلي، بيروت:

مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ ق.

ص: ۳۵۸

۲۴. موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۱۸ ق.

۲۵. نقض (بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض») ابو الرشید عبد الجلیل قزوینی رازی، به تصحیح: میر جلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.

۲۶. الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین ویتلوه التحصین لأسرار ما زاد من أخبار كتاب الیقین، علی بن موسی الحلّی (سید بن طاووس)، تحقیق: محمدباقر الأنصاری، قم: مؤسسه الثقلمین لإحياء التراث الإسلامی و مؤسسه دار الكتاب، ۱۴۱۳ ق.

ص: ۳۵۹

۱۱۵

^{۱۱۵} جمعی از پژوهشگران، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، ۲ جلد، دارالحدیث با همکاری کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی - قم، چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۱.